



نگاهی به فیلم سینمایی «جانشین»
کاری از «مهدی شامحمدی»؛

از جلو نظام، عقب گرد



نگاهی به فیلم «زندگی کوچک کوچک»
نازدترین فیلم امیرحسین نقفی»؛

روایت فروکاستن انسان در جهان خشونت خاموش

رئیس سازمان ملی استاندارد ایران:
استانداردهای اجباری خودرو
به ۱۲۲ مورد افزایش یافت

قالیباف، رئیس مجلس:
ارز ترجیحی در سبد خانوار
قرار گرفته است

مدیر مرکز تجاری ایران در الجزایر:
حذف ارز چند نرخ منجر به
رقابت پذیری در صادرات و رونق
تولید می شود



نگاهی به فیلم سینمایی «قایق سواری در تهران»؛ به کارگردانی «رسول صدرعاملی»؛

بازگشت صدرعاملی به جهان دختران، این بار از مسیر کودکی

از سودای سیمرغ تا حاشیه های پرنک؛

جشنواره های بدون ستاره هایش



نگاهی به فیلم «قایق سواری در تهران»
آخرین ساخته رسول صدرعاملی؛

تهران، قایقی بر آب روابط انسانی

نگاهی به فیلم سینمایی «جانشین»
به کارگردانی «مهدی شامحمدی»؛

پرتره انسانی یک فرمانده در میانه تصمیم و تردید

نقدی بر «کافه سلطان» آخرین اثر «مصطفی زراق کریمی»
به بهانه اکران در جشنواره فجر؛

مأمنی آرام در دل بحران و روایت هم زیستی نسل ها

نگاهی به فیلم «آرامبخش»
به کارگردانی سعید زمانیان در جشنواره فیلم فجر؛
زنی که نمی خواست تسلیم شود

سرمقاله

چرا اقتصاد هنر به نفع هنرمند نیست؟

اقتصاد هنر در ظاهر پرزرق و برق است؛ فروش های میلیاردری، جشنواره های پرهزینه، گالری های شلوغ و پلنفرم هایی که از «رونق بازار» می گویند. اما پشت این تصویر پرنور، واقعیتی متناقض جریان دارد: بخش بزرگی از هنرمندان با ناامنی معیشتی دستوپنجه نرم می کنند و بازار هنر، بیش از آنکه منصفانه و شفاف باشد، آشفته و نابرابر است. این شکاف میان گردش مالی و وضعیت زندگی هنرمند، تصادفی یا صرفاً حاصل ضعف فردی نیست؛ محصول ساختارهایی معیوب است که...

صفحه ۲ را بخوانید



مهدی احمدی-مدیر مسئول

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی

شماره ۲۶۵/ج ن/۱۴۰۴

مربوط به خرید ۱۹ قلم قطعات سیستم کنترل کوره

درخواست شماره ۰۴۰۱۱۱۹

نوبت اول

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

آگهی مزایده اجاره کوتاه مدت سالن های

مجمع فرهنگی و هنری امام رضا (ع)

به شماره فراخوان ۵۰۰۴۰۰۰۵۵۰۰۰۰۳

نوبت اول

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

آگهی مناقصات عمومی

اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان در نظر دارد پروژه های مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت های واجد شرایط دعوت بعمل می آید که در مهلت مقرر جهت دریافت اسناد شرکت در مناقصه به سامانه ستاد ، مراجعه فرمایند.

نوبت دوم

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

آگهی مناقصه عمومی

پشتیبانی تجهیزات نظارت تصویری اماکن

شهرداری یزد

نوبت اول

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

سرمقاله

چرا اقتصاد هنر به نفع هنر مند نیست؟



مهدی احمدی-مدیر مسئول

جریان دارد: بخش بزرگی از هنرمندان با ناامنی معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و بازار هنر، بیش از آنکه منصفانه و شفاف باشد، آشفته و نابرابر است. این شکاف میان گردش مالی و وضعیت زندگی هنرمند، تصادفی یا صرفاً حاصل ضعف فردی نیست؛ محصول ساختارهایی معیوب‌است که توزیع درآمد هنری را به‌شدت ناعادلانه کرده‌اند.

در اغلب حوزه‌های هنری، از موسیقی و سینما تا تئاتر و هنرهای تجسمی، مسئله اصلی کمبود پول نیست، بلکه نحوه گردش آن است. منابع مالی وجود دارند، اما مسیر حرکتشان از تولیدکننده واقعی اثر جدا شده است. واسطه‌ها، نهادهای و پلتفرم‌هایی که باید نقش تسهیل‌گر داشته باشند، به بازیگران اصلی تبدیل شده‌اند و سهم هنرمند از این زنجیره، اغلب ناچیز و نامطمئن است. هنرمند در ابتدای زنجیره ارزش قرار دارد، اما در انتهای صف دریافت درآمد می‌ایستد؛ آن هم بدون تضمین، بدون شفافیت و گاه بدون حق چانه‌زنی. یکی از ریشه‌های این وضعیت، نبود قراردادهای حرفه‌ای و استاندارد است. بسیاری از هنرمندان در فضایی فعالیت می‌کنند که قرارداد یا وجود ندارد یا به‌شدت یک‌طرفه است. حقوق مالکیت فکری به‌درستی تعریف و اجرا نمی‌شود و درآمدهای ثانویه، که در اقتصاد هنر جهان بخش مهمی از معیشت هنرمند را تشکیل می‌دهد، یا نادیده گرفته می‌شود یا به دیگران می‌رسد. نتیجه آن است که اثر هنری ممکن است بارها و در بسترهای مختلف استفاده شود، اما خالق آن سهمی متناسب از این گردش مالی نداشته باشد. از سوی دیگر، بازار هنر در غیاب داده‌های شفاف شکل گرفته است. قیمت‌گذاری آثار، دستمزدها و حتی معیارهای موفقیت، اغلب مبهم و سلیقه‌ای‌اند. این ابهام، فضا را برای رانت، روابط غیرحرفه‌ای و ناپرابری ساختاری فراهم می‌کند. در چنین بازاری، نه کیفیت الزاماً به درآمد منجر می‌شود و نه تلاش مستمر تضمینی برای بقااست. طبیعی است که در این شرایط، هنرمند به جای تمرکز بر خلاقیت، ناچار به بقا فکر کند؛ و این بقا، گاه به قیمت تن دادن به سازوکارهای ناعادلانه تمام می‌شود.

نقش سیاست‌گذاری فرهنگی نیز در این آشفتن‌بازار قابل چشم‌پوشی نیست. حمایت‌های دولتی اگر چه در ظاهر برای تقویت هنر طراحی می‌شوند، اما در عمل اغلب مقطعی، غیرشفاف و وابسته به سلیقه‌اند. این نوع حمایت نه تنها امنیت شغلی ایجاد نمی‌کند، بلکه به دوباره شدن جامعه هنری دامن می‌زند: گروهی که به منابع دسترسی دارند و گروهی که به حاشیه رانده می‌شوند. وقتی حمایت جایگزین ساختار سالم بازار می‌شود، هنر به جای استقلال، به وابستگی خو می‌گیرد و این وابستگی، خلاقیت و عدالت را توأمان تضعیف می‌کند.

در کنار این عوامل، فقدان نهادهای صنفی قدرتمند یکی از خال‌های جدی اقتصاد هنر است. هنرمند تنها، در برابر بازار نابرابر و نهادهای بزرگ، قدرت چانه‌زنی ندارد. نبود تشکل‌های مستقل و مؤثر باعث شده مطالبات صنفی پراکنده، مقطعی و کم‌اثر باقی بماند. در نتیجه، بسیاری از مسائل بنیادین مانند حداقل دستمزد، بیمه، امنیت شغلی و حقوق بازنشستگی، یا اصلاً مطرح نمی‌شوند یا در حد شعار باقی می‌مانند.

پیامد این ساختار معیوب، فقط فقر هنرمند نیست؛ آسیب به کیفیت هنر و رابطه آن با جامعه است. هنری که زیر فشار معیشت تولید می‌شود، ناگزیر محافظه‌کارتر، شتابزده‌تر و کم‌ریسک‌تر خواهد بود. بازار آشفته، سلیقه عمومی را نیز دچار اعوجاج می‌کند و به جای تقویت تنوع و نوآوری، به بازتولید الگوهای تکراری و کم‌هزینه دامن می‌زند. در نهایت، جامعه‌ای که هنر در آن امنیت اقتصادی ندارد، از آینهای شفاف برای نقد و گفت‌وگو محروم می‌شود. اصلاح اقتصاد هنر، پیش از آنکه نیازمند تزریق منابع مالی باشد، به بازطراحی قواعد بازی نیاز دارد. شفافیت در قراردادها، اجرای حقوق مالکیت فکری، تقویت نهادهای صنفی، دسترسی برابر به فرصتها و کاهش نقش واسطه‌های غیرمولد، گام‌هایی هستند که می‌توانند توزیع درآمد را عادلانه‌تر کنند. هنر زمانی می‌تواند نقش اجتماعی خود را ایفا کند که هنرمند از حداقل‌های معیشتی برخوردار باشد و آیندهاش به تصمیم‌های غیرقابل پیش‌بینی گره نخورد. اقتصاد هنر اگر همچنان بر پایه ساختارهای معیوب پیش برود، نه‌تنها هنرمند را فرسوده می‌کند، بلکه بازار را نیز از درون تهی می‌سازد. بازاری که هنرمند در آن فقیر است، دیر یا زود مخاطب را نیز از دست خواهد داد. هنر بدون عدالت اقتصادی، به کالایی لوکس و ناپایدار تبدیل می‌شود؛ و جامعه‌ای که هنر را به حاشیه می‌اند، بخشی از توان گفت‌وگوی خود با آینده را از دست می‌دهد. بازگشت تعادل به اقتصاد هنر، نه یک مطالبه صنفی، بلکه ضرورتی اجتماعی است.

آگهی مفقودی

مدارک اعم از (برگ سبز، سند کمیانی و کارت سوخت) موتور سیکلت کوبر تیپ CC۲۰۰ رنگ قرمز مدل ۱۳۹۵ شماره موتور 0200N3C418949 شماره تنه N3C***200K9511158 با پلاک ۶۳۲ ایران ۸۶۶۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

از سودای سیمرغ تا حاشیه‌های پررنگ؛

جشنواره‌ای بدون ستاره‌هایش

جشنواره‌ای که سؤال‌هایش بیشتر از جواب‌هایش بود

چهل‌وچهارمین دوره‌ی جشنواره‌ی ملی فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۴ به طور رسمی برگزار شد و به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمای ایران به شمار می‌آید؛ فضایی که معمولاً بازتاب‌دهنده‌ی دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سینمای ایران است. دبیر این دوره منوچهر شاهسواری بود که نه‌تنها مدیریت هنری جشنواره، بلکه جهت‌گیری انتخاب فیلم‌ها و برنامه‌ها را نیز برعهده داشت.

منوچهر شاهسواری، دبیر چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در نشست خبری رسمی جشنواره گفت که این رویداد باید آینه‌ای برای مردم و نگاه به دغدغه‌های روز جامعه باشد و تأکید کرد که هنرمندان با حضورشان در جشنواره می‌توانند «همدردی و همراهی با مردم» را نشان دهند، نه سکوت و بی‌تفاوتی. این منطق دبیر جشنواره در سالی برگزار شد که وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران پُرچالش بوده و توقعات منتقدان و مخاطبان نسبت به تولید آثار سینمایی و نقش جشنواره بالا بود.

تنوع موضوعی و ترکیب سینماگران

فیلم‌های انتخاب‌شده در بخش سودای سیمرغ این دوره، متشکل از ۳۱ اثر سینمایی بود. این آثار ترکیبی از فیلم‌های کارگردانان شناخته‌شده و تعداد چشمگیری کارگردان اولین تجربه‌ی سینمایی بلندشان هستند؛ اتفاقی که نشان‌دهنده‌ی تأکید جشنواره بر ورود «صداهای جدید» به سینماست. در میان فیلم‌های حاضر می‌توان نام‌هایی را دید که به موضوعات مختلف اجتماعی، خانوادگی، روانی، سیاسی و شخصی می‌پردازند. برای مثال: «غوطه‌ور» به کارگردانی جواد حکمی با بازی مه‌ران غفوریان، با موضوعاتی تابوشکنانه مورد توجه قرار گرفت.

فیلم‌هایی مثل «حال خوب زن»، «پل»، «کافه سلطان»، و آثاری مانند «قص باد» یا «بیلپورد» در سینما رسانه نمایش داده شدند و مورد نقد و بررسی قرار گرفتند.

این ترکیب، از یک سو، نشان‌دهنده‌ی تلاش برای تنوع و برجسته‌کردن موضوع‌های اجتماعی است، و از سوی دیگر فرصت‌های تازه‌ای به فیلمسازان جوان داده است تا صدای خود را در مهم‌ترین کشور شنیده ببینند.

فیلم‌هایی که به جشنواره نرسیدند

پیش از شروع جشنواره، بحث‌هایی درباره‌ی آثاری بود که به دلایل مختلف (فنی، محتوایی یا مدیریتی) در انتخاب نهایی قرار نگرفتند یا حذف شدند؛ موضوعی که باعث شد برخی منتقدان به نحو انتخاب فیلم‌ها ایراد بگیرند، هرچند دبیر جشنواره معمولاً پاسخگوی انتقادات بود.

نقد‌ها و دیدگاه‌های حرفه‌ای درباره‌ی فیلم‌ها

نقد‌های حرفه‌ای و واکنش منتقدان به فیلم‌های حاضر در جشنواره طیف گسترده‌ای دارد:

نقد کیفی برخی آثار

برخی آثار، به ویژه فیلم‌هایی با موضوع اجتماعی یا ملودرام، با نقدهایی درباره‌ی ضعف در ساختار روایت، شخصیت‌پردازی سطحی یا کلیشه بودن مواجه شدند. در چند گزارش اولیه این دوره، یکی از فیلم‌ها به دلیل پرداخت سطحی و داستان بلاتکلیف مورد اعتراض منتقدان قرار گرفت؛ ضعف‌هایی که گاه باعث فاصله گرفتن مخاطب از اثر می‌گردد. این نقدها نشان می‌دهد که گرچه جشنواره تلاش دارد سینمای اجتماعی عمیق را ارتقا دهد، هنوز در بسیاری از آثار نقد شده، نوآوری در روایت و عمق در شخصیت‌ها کافی نیست.

قدردانی از برخی تلاش‌های هنری

در مقابل، فیلم‌هایی نیز هستند که از آن‌ها به عنوان آثار

با رویکرد هنری، تجربی یا جسورانه یاد شده‌اند، آثاری



رسول صدرعاملی با «قایق‌سواری در تهران» به چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر امده؛ فیلمی که نه در پی بازگشت نوستالژیک به آثار پیشین اوست و نه تاشی برای هم‌سوئی با جریان‌های پردای سینمای اجتماعی سال‌های اخیر. این فیلم، بیش از هر چیز، بازتعریف نسبت سینما با «روابط انسانی» در دل شهری است که خود به عملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و فرسایش این روابط بدل شده است.

سینمای آرام در برابر شتاب روایت

«قایق‌سواری در تهران» عمده‌ان از الگوی کلاسیک درام فاصله می‌گیرد. روایت فیلم نه بر اساس گرافکتی و گرگ‌شایی، بلکه بر مبنای مکث، عبور و تداوم شکل می‌گیرد. صدرعاملی به‌جای آن‌که شخصیت‌ها را در موقعیت‌های بحرانی پررنگ قرار دهد، آن‌ها را در دل زیست روزمره رها می‌کند؛ جایی که تصمیم‌ها کوچک‌اند، اما اثرشان ماندگار. این انتخاب، برخلاف برخی برداشته‌ا، نه نشانه‌ی ضعف درام، بلکه تصمیمی آگاهانه در راستای جهان‌بینی فیلمساز است. فیلم ترجیح می‌دهد تماشاگر را به

که ساختارهای روزمره را می‌شکنند و به گونه‌ای جدید با مخاطب رابطه برقرار می‌کنند. حضور کارگردانان تازه‌کار در کنار آثار با مسیری مستقل باعث شده جشنواره به یک فضای تلفیقی از تجربه و نوآوری تبدیل شود.

دیدگاه اجتماعی و بازتاب وضعیت کنونی ایران

تحلیل‌های رسانه‌ای در مورد این دوره تأکید دارند که فیلم‌های حاضر مانند آینه‌ای از جامعه‌ی فعلی ایران عمل می‌کنند؛ موضوعاتی ناشی از واقعیت‌های اجتماعی، بحران‌های فردی و جمعی و نگرش‌های جدید نسبت به تعلق، امید و شکاف‌های فرهنگی. چنین بازتاب‌هایی به جشنواره کمک می‌کند تا آثار، نه‌تنها به عنوان سرگرمی، بلکه به عنوان مت‌های فرهنگی قابل تفسیر دیده شوند.

از رسانه تا مخاطب عمومی

در این دوره از جشنواره، فیلم‌ها در چند نوع بستر به نمایش درآمدند:

سینمای اصحاب رسانه (پردیس ملت)

یکی از فضاهای مهم نمایش فیلم‌ها، سالن‌های سینما رسانه در پردیس سینمایی ملت است که به ویژه برای منتقدان، خبرنگاران و پیش‌نمایش‌های رسانه‌ای در نظر گرفته شده است. در روزهای مختلف جشنواره، فیلم‌هایی مثل نگهبانان خورشید، غوطه‌ور، غبار میمون، حاشیه، پل، کافه سلطان و رقص باد، بیلپورد، حال خوب زن در این بخش نمایش داده شد و با حضور عوامل فیلم‌ها نقد و گفتگوهایی برگزار شد. این بخش نقش مهمی در شکل‌گیری بحث‌های سینمایی دارد چون منتقدان و خبرنگاران می‌توانند فیلم‌ها را پیش از نمایش عمومی ببینند و تحلیل‌های اولیه خود را منتشر کنند.

اکران عمومی و سینماهای مردمی

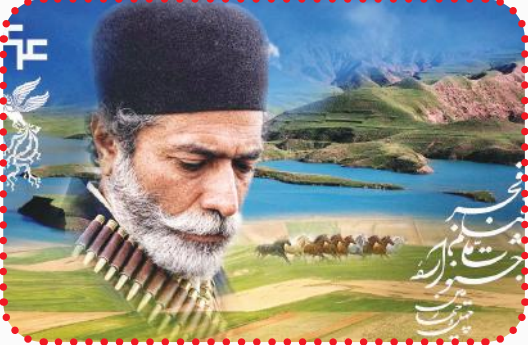
علاوه بر سینما رسانه، آثار جشنواره در سینماهای عمومی تهران و همچنین در استان‌ها و شهرهای دیگر نیز به نمایش درآمدند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین مجموعه‌ای از فیلم‌های منتخب جشنواره را در سینماهای خود برای عموم اکران کرد که به شکلی گسترده‌تر مخاطبان را درگیر فیلم‌ها نمود. این نمایش گسترده‌تر، بسته به نوع فیلم، باعث استقبال یا بی‌علاقگی عمومی شد و عملاً بازخورد واقعی‌تری از سلیقه‌ی مخاطبان فراهم آورد.

استقبال عمومی و برخورد مخاطبان

در روزهای برگزاری جشنواره، برخی فیلم‌ها از استقبال خوب مخاطبان برخوردار بودند؛ برای مثال فیلم «حال خوب زن» در اکران عمومی با سانس‌های فوق‌العاده همراه شد و توجه تماشاگران را جذب کرد، هرچند که نوع استقبال برای هر فیلم متفاوت بود. اما در مجموع، برخلاف سال‌های عادی که جشنواره با هیجان بالایی روبرو بود، در این دوره گزارش‌ها حاکی از فضای آرام‌تر، پراکندگی توجه مخاطبان و حتی بحث‌هایی درباره‌ی تمایز بین مخاطبان جشنواره و مخاطبان عمومی سینما است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در سال جاری برخی مخاطبان منتقدانه به جشنواره نگاه کرده و تقاضای کیفیت بالاتر و محتوای معنادار داشتند.

عدم حضور برخی هنرمندان و حاشیه‌ها

یکی از بخش‌های جنجالی این دوره، عدم حضور برخی هنرمندان و عوامل فیلم‌ها در جشنواره بود. در روزهای اخیر، خبر انصراف‌هایی مانند امیر جدیدی و هدی زین‌العابدین از حضور در جشنواره منتشر شد. همچنین گزارش‌هایی درباره‌ی غیبت بازیگران و کارگردانان دیگر در نشست‌های رسانه‌ای و اکران فیلم‌ها مطرح شد. این مسئله باعث شد که برخی رسانه‌ها و مخاطبان به بحث‌های اجتماعی و سیاسی پیرامون حضور یا تحریم جشنواره بپردازند. موضوعی که در سال کنونی به دلیل فضای اجتماعی و اعتراضات جاری در کشور، حساس‌تر از همیشه شده است. برخی فعالان رسانه‌ای



معتقدند حضور هنرمندان در جشنواره در این شرایط باید با نگاه به حمایت از هنر و مردم همراه باشد و عدم حضور ممکن است به‌عنوان یک واکنش نمادین تلقی شود. چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر با تمام جنبه‌های خود – انتخاب فیلم‌های متنوع، نقدهای حرفه‌ای و عمومی، سینما رسانه و نمایش عمومی در سینماها، استقبال مخاطبان و مناقشات پیرامون حضور هنرمندان – به یک نقطه‌ی تأمل جدی در سینمای ایران تبدیل شده است.

این دوره نشان داد که: جشنواره هنوز فضایی معتبر برای ارائه آثار سینمایی است؛

حضور فیلمسازان جوان می‌تواند صوت‌های جدید و

دیدگاه‌های متفاوت را وارد سینما کند؛

نقد‌های حرفه‌ای به فیلم‌ها نشان می‌دهد که کیفیت آثار، موضوعات و روایت‌ها هنوز نیاز به تکامل دارند؛ و تصمیم‌های شخصی هنرمندان درباره‌ی حضور یا عدم حضور در جشنواره می‌تواند بازتاب اجتماعی مهمی داشته باشد. در نهایت، این جشنواره همان‌طور که دبیر آن تأکید کرد، همچنان می‌تواند «آینه‌ای از جامعه» باشد، اما نیاز دارد که در سال‌های آینده بیش از پیش به کیفیت ساخت، تنوع واقعی، و گفت‌وگوهای اجتماعی توجه داشته باشد تا مخاطبات و منتقدان را به شکل سازنده‌تری همراه کند.

آثار حاضر در جشنواره ترکیبی از ژانرها و موضوعات مختلف بودند از فیلم‌های اجتماعی و خانوادگی تا آثار تجربی، ملودرام و آثار با فرم‌های روایت خاص. حضور فیلم‌های کارگردانان هم‌نام و شناخته‌شده در کنار فیلم‌سازان جوان و تجربه‌اولی از ویژگی‌های شاخص این دوره بود.

فیلم‌های برجسته‌ای که بیشتر رسانه‌ای شدند آثار مانند پل، کافه سلطان، نیمه‌شب، غوطه‌ور، زندگی ریز و آرام‌بخش در رسانه‌ها و نشست‌های نقد بیشتر مورد بحث قرار گرفتند و واکنش‌های متفاوتی از منتقدان گرفتند، برخی به خاطر روایت اجتماعی و برخی دیگر برای ساختار هنری‌شان.

بخش‌های دیگر جشنواره

علاوه بر بخش سودای سیمرغ، جشنواره فیلم‌های کوتاه، مستند و انیمیشن نیز بخش‌های رقابتی خاص خود دارند، که در روزهای ابتدایی جشنواره اعلام و نمایش داده شدند از جمله آثار کوتاهی که بیش از ۴۰ فیلم در بخش سینمای کوتاه معرفی شدند.

چه نکاتی از فهرست فیلم‌ها مهم است؟

تنوع ژانری و دیدگاه‌ها:

لیست فیلم‌ها نشان‌دهنده‌ی تنوع موضوعی است از فیلم‌های اجتماعی تا آثار شخصیت‌محور و حتی فرم‌های خاص. این تنوع می‌تواند نشان‌دهنده‌ی رویکرد جشنواره به نمایش «صدای سینما» با زوایای مختلف باشد.

حضور فیلم‌سازان جوان:

چندین فیلم در این دوره اثر کارگردانانی هستند که تجربه‌ی اول یا دوم سینمایی‌شان را پشت سر می‌گذارند؛ موردی که اغلب توسط منتقدان به عنوان نقطه‌ی قوت جشنواره یاد شده است، چون سینمای مستقل و خلاق را تقویت می‌کند برخی فیلم‌ها با نقدهای متفاوت روبرو شدند هرچند بعضی آثار تحسین منتقدان را برانگیختند، بخش دیگری از فیلم‌ها نقدهایی هم به ساختار یا پرداخت موضوعات دریافت کردند موضوعی که در تحلیل جشنواره پیش‌تر هم اشاره شد.

نگاهی به فیلم «قایق‌سواری در تهران» آخرین ساخته رسول صدرعاملی؛

تهران، قایقی بر آبِ روابط انسانی

فاصله‌های اجتماعی و مکانی، به‌فصله‌های عاطفی تبدیل می‌شوند.

بازیگری در خدمت رابطه، نه نمایش

بازی‌ها در فیلم عمده‌انه مهارشده‌اند. صدرعاملی از «بازی دیدم» بازی می‌کند و اجازه نمی‌دهد فریدت بازیگران بر کلیت روایت سایه بینازند. این انتخاب، کاملاً در راستای فیلمی است که رابطه را بر شخصیت‌محوری ترجیح می‌دهد. بازیگری در «قایق‌سواری در تهران» بیشتر کارکرد ساختاری دارد تا نمایشی. نگاه‌ا، سکوت‌ها و واکنش‌های حداقلی، جای اغراق و تأکید را گرفته‌اند. همین رویکرد باعث می‌شود روابط انسانی، واقعی‌تر و باورپذیرتر جلوه کنند، حتی اگر به اوج‌های دراماتیک مرسوم نرسند.

پرهیز از قضاوت؛ انتخابی آگاهانه

از منظر جهان‌بینی، فیلم به‌وضوح از دوری اخلاقی فاصله می‌گیرد. صدرعاملی نه‌قهرمان می‌سازد نه‌ضدقهرمان. شخصیت‌ها در وضعیت‌های خاکستری قرار دارند و تصمیم‌هایشان بیش از آن‌که حاصل اراده‌ی آزاد باشند، واکنشی به شرایطاند. این پرهیز از قضاوت، به فیلم اجازه می‌دهد تا به‌جای صدور حکم، موقعیت بسازد. در دورانی که بخش قابل‌توجهی از سینمای اجتماعی به سمت شعار یا سیانمایی رفته، «قایق‌سواری در تهران» با انتخاب مسیری آرام و انسانی، از سینمایی دفاع می‌کند که هنوز به پیچیدگی روابط و کرامت انسان باور دارد. «قایق‌سواری در تهران» فیلمی است که ممکن است مخاطب عادت‌کرده به درام‌های پرنتش را به چالش بکشد، اما در عوض، تجربه‌ای صادقانه و اندیشیدمشده ارائه می‌دهد. صدرعاملی و قاسم‌خانی، به‌جای پاسخ دادن، پرسش می‌سازند؛ پرسش‌هایی درباره رابطه، فاصله و زیست انسان معاصر در شهری که هیزمان نزدیک و دور است. این فیلم، دفاعی است از سینمای مشاهده، از روابط انسانی و از حقِ مکث در جهانی که مدام در حال شتاب است.

دو پروژه مهم عمرانی شهرستان آغاجاری با اعتبارات شرکت بهربرداری نفت و گاز آغاجاری با حضور مسئولان ملی و استانی کلنگ‌زنی شد. اولین آغاز عملیات اجرایی این پروژه‌ها با حضور سردار مظلومی نماینده مردم بهبهان و آغاجاری در مجلس شورای اسلامی، دکتر علم‌الهدی معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خوزستان و جمعی از مدیران و مسئولان شرکت نفت و گاز آغاجاری برگزار شد. سردار مظلومی در این مراسم، ضمن گرامیداشت دهه مبارک فجر، با اشاره به پیگیری‌های انجام‌شده پس از سفر دکتر پاک‌نژاد وزیر محترم نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران به شهرستان آغاجاری، اظهار داشت: هدف از این اصلاح شبکه آب شهری آغاجاری و بهسازی سینمای این شهرستان در دستور کار قرار

نگاه

نقدی بر فیلم سینمایی «حال خوب زن» به نویسندگی و کارگردانی مهدی برزکی؛

روایت سینما از «بحران‌های پنهان زندگی مشترک»



مصطفی فرجی-منتقد سینما ●

فیلم «حال خوب زن» به نویسندگی و کارگردانی مهدی برزکی و تهیه‌کنندگی حسین کاکاوند (که نخستین تجربه تهیه‌کنندگی و کار سینمایی آنها نیز محسوب می‌شود)، یک درام اجتماعی – روان‌شناختی است. داستان فیلم درباره زوج جوانی به نام ابراهیم (داروساز) و سارا (دامپزشک) است که در زندگی زناشویی خود با مشکلاتی مواجه می‌شوند و برای حل آن به درمانگر مراجعه می‌کنند. مهدی برزکی به موضوعی پرداخته که در جامعه امروز، به‌ویژه در میان جوانان، بسیار فراگیر است؛ مشکلی که اگر به‌موقع حل نشود، می‌تواند به طلاق منجر شود. برزکی که از فضای فیلم کوتاه وارد سینمای بلند شده، در نخستین تجربه سینمایی خود با احتیاط و بدون عبور از خط قرمزها، مسائل زناشویی را با زبان سینما روایت کرده است. با این حال، استفاده از برخی پلان‌ها، سکانس‌ها و دیالوگ‌ها به گونه‌ای است که مخاطب برای درک پیام فیلم باید هوشیار و دقیق باشد؛ چراکه در سینمای ایران، ممیزی و محدودیت‌ها اجازه بیان صریح افکار و دیدگاه‌های فیلمساز را نمی‌دهد و او ناچار است مفاهیم را به‌صورت غیرمستقیم و سربسته مطرح کند.



با توجه به اینکه تعداد زوج‌های جوانی که با مشکلات زناشویی روبه‌رو هستند کم نیست، فیلم می‌تواند نقش مهمی در آگاهی‌بخشی داشته باشد و از بروز طلاق جلوگیری کند. همه افراد اهل مطالعه نیستند و بسیاری نیز به دلایل مختلف، از مراجعه به درمانگر پرهیز می‌کنند؛ در چنین شرایطی، سینما می‌تواند ابزار مؤثری برای کمک به این افراد باشد. فیلم حال خوب زن تا حدی به این نکات اشاره می‌کند، اما این پرداخت کافی به نظر نمی‌رسد. از همین‌رو، انتظار می‌رود مسئولان سازمان سینمایی در زمینه ممیزی‌ها و خط قرمزها تجدیدنظر کنند تا فیلمسازان بتوانند آزادانه‌تر به این مسائل اجتماعی بپردازند.

در فیلم، نکته اخلاقی قابل‌توجهی نیز دیده می‌شود؛ جایی که سارا (با بازی مهتاب ثروتی) تلاش می‌کند برای همسرش ابراهیم (با بازی علی مرادی) همسر صیغه‌ای اختیار کند، اما با مخالفت شدید ابراهیم روبه‌رو می‌شود و حتی به قهر او می‌انجامد. این واکنش، نشان‌دهنده پایدنی ابراهیم به اصول اخلاقی و حفظ بنیان خانواده است.

در بخش بازیگری، مهدی برزکی توضیح داد که آگاهانه از بازیگران شناخته‌شده استفاده نکرده است، زیرا معتقد است چهره‌های آشنا مانع ارتباط عمیق مخاطب با فیلم می‌شوند. به همین دلیل، از بازیگران کمتر شناخته‌شده بهره گرفته تا تماشاگر راحت‌تر با شخصیت‌ها انس بگیرد. حسین کاکاوند نیز در نشست خبری فیلم به هزینه‌ها و لوکیشن‌ها اشاره کرد و گفت: حدود ۶ میلیارد تومان برای ساخت این فیلم هزینه شده که رقم قابل‌توجهی برای یک فیلم سینمایی است. فیلم‌برداری در تهران و شهریار انجام شده و ساخت فیلم در مهرماه ۱۴۰۳ صورت گرفته است در پایان، ضمن خسته‌نباشید و دستم‌یزاد به عوامل و بازیگران فیلم حال خوب زن، از توجه آن‌ها به این موضوع حساس اجتماعی تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این فیلم با استقبال مخاطبان روبه‌رو شود و هزینه‌های تولید آن نیز بازگردد.

بازیگران فیلم عبارت‌اند از: مهتاب ثروتی، علی مرادی، راضیه منصوری، حمید رحیمی، شهره موسوی، گلاویژ علم، علی تاریمی و علی مهربان.

کانون آگهی و تبلیغاتی

آواهای پاییز

شماره تماس: ۰۲۱-۷۷۸۵۱۷۲۵

نگاهی به فیلم سینمایی «قایق‌سواری در تهران؛» به کارگردانی «رسول صدرعاملی»؛

بازگشت صدرعاملی به جهان دختران، این بار از مسیر کودکی



نقطه مقابل، فیلمی آرام و بی‌گره است. در آثار پیشین، دختران نوجوان درگیر بحران‌های اجتماعی و خانوادگی بودند؛ اما این بار، کودکی بی‌پیرایه و ساده، محور روایت است.

صدرعاملی همچنان به جهان دختران، وفادار است اما با نگاهی نرم‌تر و شاعرانه‌تر. این تغییر زاویه دید، نشان از تغییر زاویه دید کارگردانی دارد که پس از سال‌ها، از روایت بحران به روایت آرامش رسیده است.

«قایق‌سواری در تهران» نه به دنبال کشف فرم است و نه می‌خواهد جهان را زیر و رو کند؛ بلکه آمده تا لحظه‌های ساده و انسانی را یادآور شود. صدرعاملی با این اثر، بار دیگر نشان می‌دهد که سینما می‌تواند بدون پیچیدگی‌های روایی، تنها با اتکا به بازی‌های درخشان و فضایی لطیف، مخاطب را درگیر کند.

این فیلم، در امتداد مسیر کارگردانی است که همواره دغدغه‌ی جهان دختران و زنان را داشته، اما این بار با نگاهی کودکانه و آرام، قایق خود را در آب‌های تهران به حرکت درآورده است.



شخصی خود پیش بروند. حتی پیشنهاد محسن برای در میان گذاشتن موضوع با پلیس نیز جدی گرفته نمی‌شود و آن‌ها همواره یک قدم جلوتر از پلیس حرکت می‌کنند؛ موضوعی که ضعف ساختاری پلیس را به‌خوبی نشان می‌دهد. با این حال، علیزاده برای حفظ حرمت پلیس، در بخش‌هایی حضور گروه ضربت را در کارگاه نجاری به تصویر می‌کشد و عملیات آن‌ها را مثبت ارزیابی می‌کند. این نکته نشان می‌دهد که پلیس در حال تجسس بوده، اما تمرکز اصلی روایت بر نقش طلبه قرار داشته است.

فیلم «حاشیه» دارای لوکیشن‌های متنوعی است و ریتم قابل قبولی دارد. به نظر می‌رسد فیلمنامه، به‌ویژه با توجه به محوریت طلبه و مسجد، ظرفیت نامزدی در بخش بهترین فیلمنامه را داشته باشد.

در این فیلم، هادی کاظمی، مه‌ران احمدی، سجاد بابایی، ونوس کانلی، میترا رفیع، جواد قامتی و دیگر بازیگران به ایفای نقش پرداخته‌اند.

ناخواسته به زندگی هدیه (سحر دولتشاهی) و دختر خردسالش آیدا (بنیتا افشاری) او را در موقعیتی تازه قرار می‌دهد؛ موقعیتی که از مردی ضد زن و ضد بچه، به پدری ناخواسته و مسئول بدل می‌شود.

بازی‌ها؛ از لطافت تا تفاوت

پیمان قاسم‌خانی، علاوه بر نویسندگی، نقش اصلی فیلم را ایفا کرده است. طنز زیرپوستی و کنترل‌شده‌اش، شخصیت مازیار را از یک تیپ به کاراکتری انسانی بدل می‌کند. در کنار او سحر دولتشاهی، با اجرایی روان و متمایز، حضوری متعادل دارد و رابطه مادر-دختری با آیدا را به شکلی طبیعی و باورپذیر تصویر می‌کند.

امین حیایی، در نقشی متفاوت، وجهی تازه از توانایی‌هایش را نشان داده و به فیلم انرژی بخشیده است. اما به جرات می‌توان گفت، نقطه عطف این فیلم بنیتا افشاری است. بازیگر خردسالی که قلب تپنده روایت است. انتخاب او از میان ده‌ها کودک و حضور طبیعی‌اش، به این اثر جان مضاعف داده است.

تهران به مثابه شخصیت

فیلم نه تنها درباره آدم‌ها، بلکه درباره شهری است که در آن زندگی می‌کنند و تاکید تهیه‌کننده بر نمایش «تهران شیک و دوست‌داشتنی» بوده است؛ شهری که برخلاف بسیاری از آثار اجتماعی اخیر، تصویری تلخ و فرسوده ندارد. تهران شلوغ و پرتراфик در قاب‌های این فیلم، زنده و نفس‌کش است؛ آن هم در بخشی از روایت، نه صرفاً پس‌زمینه آن.

صدرعاملی و میراث سینمای دختران

اگر من ترانه ۱۵ سال دارم را نقطه اوج دغدغه‌های اجتماعی صدرعاملی بدانیم، قایق‌سواری در تهران در

نقدی بر فیلم سینمایی «حاشیه» ساخته «محمدعلیزاده»؛

درامی اجتماعی با محوریت ایمان و عمل

به تن دارد و آگاهانه از پوشیدن لباس روحانیت پرهیز می‌کند تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرد. او بیش از آن‌که اهل نصیحت باشد، با رفتار و عمل خود دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اوج این نگاه را می‌توان در گذشت او از پسر لاتی دید که با چاقو باعث مجروح شدنش شده؛ گذشتی که سرآغاز تحول آن جوان می‌شود.

در بخش‌هایی از فیلم، جست‌وجوی مه‌ران احمدی، هادی کاظمی و دیگر همراهان برای یافتن فرد گمشده، توجه مخاطب را به ضعف عملکرد پلیس جلب می‌کند. از سوی دیگر، واکنش برخی همسایه‌ها به اسکان خانواده محسن در این محل، این سؤال را ایجاد می‌کند که چرا در چنین مناطقی حضور ارازل و اویش تا این اندازه پررنگ است و نقش پلیس در ایجاد امنیت چیست؟

فیلم دقیقاً روی همین پرسش‌ها تمرکز می‌کند. حضور محسن به‌تدریج باعث تغییر و تحول در محله می‌شود؛ تغییری که از مسجد محل آغاز می‌گردد. این نگاه، نشان‌دهنده نقش مثبت طلبه و مسجد در اصلاح جامعه است. به گفته کارگردان، «حاشیه» فیلمی شعاری نیست، بلکه رگه‌هایی از دین، مذهب و اسلام در تار و پود آن جریان دارد و باید منصفانه به آن نگاه کرد.

در روایت فیلم، ابتدا ضعف پلیس پررنگ‌تر دیده می‌شود و برخی از اهالی محل ترجیح می‌دهند با روش‌های خشن و

فیلم سینمایی «حاشیه» یک درام اجتماعی است که روز جمعه ۱۷ بهمن در خانه جشنواره رونمایی شد. این فیلم به کارگردانی محمدعلیزاده ساخته شده که نخستین تجربه بلند سینمایی او به شمار می‌رود. تهیه‌کنندگی اثر را یوسف منصوری بر عهده داشته و فیلمنامه نیز توسط محمد علیزاده و بنیامین هفت‌لنگ نوشته شده است.

«حاشیه» روایت‌گر زندگی طلبه‌ای به نام محسن (با بازی هادی کاظمی) است که به دلیل حادث‌ای ناخواسته، مجبور به پرداخت دیه و خسارت می‌شود. او برای تأمین این هزینه‌ها به حاشیه شهر نقل مکان می‌کند؛ جایی که اتفاقات و چالش‌های تازه‌ای در انتظارش است.

محمد علیزاده در اولین فیلم بلند خود، قدمی جسورانه برداشته است. فیلمنامه‌ای منسجم با استخوان‌بندی محکم که در طول روایت، گره‌گشایی‌های متعدد و جذابی دارد و با حفظ تعلیق، مخاطب را تا پایان با خود همراه می‌کند. بازی هادی کاظمی در نقش یک طلبه، از نکات قابل توجه فیلم است. او را بیشتر با نقش‌های کم‌دی می‌شناسیم، اما در «حاشیه» نشان می‌دهد که در نقش‌های جدی و اجتماعی نیز توانمند است. طلبه‌ای که لباس شخصی



مصطفی فرجی-منتقد سینما ●

«زندگی کوچک کوچک‌ترین» تازه‌ترین فیلم امیرحسین ثقفی، بیش از آن‌که بخواهد داستانی خطی و کلاسیک روایت کند، تماشاگر را وارد تجربه‌ای زیسته از فرسایش انسان در مناسبات روزمره می‌کند؛ تجربه‌ای که در اغلب نقدهای

منتشرشده، به‌عنوان یکی از شخصی‌ترین و در عین حال اجتماعی‌ترین آثار این دوره جشنواره فجر از آن یاد شده است. فیلم، آگاهانه از مولودرام و حادثه‌سازی فاصله می‌گیرد و جهانی را ترسیم می‌کند که خشونت در آن آرام، بی‌صدا و تدریجی عمل می‌کند.

روایت کوچک، مسئله‌ای بزرگ

نخستین ویژگی برجسته فیلم، انتخاب آگاهانه یک مقیاس محدود روایی است. ثقفی به جای پرداختن به بحران‌های کلان، رابطه‌ای ساده میان پدر و پسر را در مرکز قرار می‌دهد و همان را به میدان اصلی تنش، سوءتفاهم و سرکوب بدل می‌کند. بسیاری از منتقدان بر این باورند که فیلم، خشونت را نه به‌عنوان کنشی بیرونی، بلکه به‌مثابه وضعیتی جاری در زندگی روزمره نمایش می‌دهد؛ خشونتی که از دل ساختارهای معیوب اجتماعی و ناتوانی در گفت‌وگو زاده می‌شود.

ساعدی؛ حضوری در روح، نه در روایت

الهام فیلم از داستان «بازی تمام شد» غلامحسین ساعدی، بیش از آن‌که در خط داستانی نمود داشته باشد، در فضای ذهنی و اتمسفر اثر قابل ردیابی است. همان حس خفگی، تنهایی و بن‌بست که در جهان ساعدی موج می‌زند، این‌جا نیز حضور دارد؛ اما «زندگی کوچک کوچک‌» به بازسازی ادبی قانع نیست. فیلم زبان سینمایی مستقلى می‌سازد که بر سکوت،



مکت و حذف توضیح‌های مستقیم استوار است؛ رویکردی که در نقدها به‌عنوان نقطه تمایز فیلم مورد تأکید قرار گرفته.

ریتم کند؛ ضعف یا انتخاب آگاهانه؟

یکی از محورهای اصلی نقدها، ریتم آرام و حذف تعمدی اوج‌های دراماتیک کلاسیک است. گروهی این ویژگی را نقطه ضعف دانسته‌اند، اما در مقابل، بسیاری معتقدند همین ریتم کند، بخشی از جهان‌بینی فیلم است. زندگی‌ای که در آن اتفاق بزرگی نمی‌افتد، اما انسان هر روز اندکی بیشتر تحلیل می‌رود. در این معنا، فرم فیلم با محتوایش هم راستاست و تماشاگر ناچار می‌شود وزن زمان و سکون را تجربه کند.

نا بازیگران و واقع نمای رابطه پدر و پسر

انتخاب نابازیگران، به‌ویژه در نقش‌های اصلی، از جمله تصمیم‌هایی است که واکنش‌های مثبتی در پی داشته. بازی‌ها کنترل‌شده، خام و عاری از نمایشگری‌اند و همین امر به باورپذیری رابطه پدر و پسر کمک کرده است. این رابطه نه بر پایه تقابل‌های پررنگ، بلکه بر اساس فاصله، سکوت و سوءتفاهم شکل می‌گیرد؛ رابطه‌ای که بیشتر از

جنس هم‌زیستی سرد است تا رویارویی مستقیم.

رویا؛ پناه یا توهم رهایی

در لایه‌ای عمیق‌تر، فیلم به مسئله رویا و آرزو به‌عنوان آخرین پناه انسان می‌پردازد. شخصیت‌ها در جهانی که امکان تغییر واقعی در آن محدود است، به خیال‌پردازی‌ها و امیدهای کوچک چنگ می‌زنند. برخی منتقدان این رویکرد را مرزی باریک میان مقاومت و انفعال دانسته‌اند: آیا رویا راهی برای رهایی است یا صرفاً مسکنی موقت؟ فیلم از ارائه پاسخ قطعی پرهیز می‌کند و همین تعلیق، یکی از وجوه تأمل‌برانگیز آن است.

اقتصاد تصویر و جهان بسته

از منظر بصری، «زندگی کوچک کوچک‌» به شدت به اقتصاد تصویر وفادار است. قاب‌های ساده، حرکت محدود دوربین و تأکید بر فضاهای بسته، حس بن‌بست و تکرار را تشدید می‌کند. طراحی صدا نیز در خدمت همین جهان خاموش است؛ جهانی که در آن، هر عنصر اضافی حذف شده تا «کوچکی» زندگی برجسته‌تر شود.

جایگاه فیلم در میان آثار اجتماعی جشنواره

در مجموع، «زندگی کوچک کوچک‌» فیلمی نیست که بخواهد همه مخاطبان را راضی کند. این اثر نه برای تماشاگر عجول ساخته شده و نه برای مخاطبی که انتظار پیام‌های صریح و شعاری دارد. اما در میان آثار اجتماعی جشنواره، جایگاهی متمایز دارد؛ فیلمی که به‌جای فریاد زدن بحران، آن را در جزئیات زندگی روزمره حل می‌کند. بسیاری از نقدها این اثر را نشانه‌ای از تثبیت نگاه شخصی امیرحسین ثقفی می‌دانند؛ فیلمسازی که ترجیح می‌دهد به جای بزرگ‌نمایی، زندگی را «کوچک» اما دقیق و صادقانه روایت کند.

نگاهی به فیلم «آرامبخش»

به کارگردانی سعید زمانیان در جشنواره فیلم فجر؛

زنی که نمی خواست تسلیم شود

یکی از معضلات آشکار سینمای ایران در چند دهه اخیر، گریز از قصه گویی و کم‌رنگ بودن درام و خط داستانی در فیلمنامه‌ها است.



شهرام خرازی‌ها-متنقد

این نقیصه سبب شده تا بسیاری از تولیدات سینمایی مورد استقبال قرار نگرفته یا آن که تماشاگران در دقایق ابتدایی فیلم، سالن را ترک کنند. «آرامبخش» در برهوت کم قصه سینمای ایران، فیلمی است که اساس و پایه خود را بر قصه گویی گذاشته است و می‌کوشد تا با تمام توان خود، طرح داستانی را پر رنگ نموده و تماشاگر را جذب نماید.

شخصیت محوری «آرامبخش» زنی است با په سن گذاشته و تسلیم ناپذیر به نام مریم که در فضایی مردسالار در پی احقاق حق و حفظ زندگی خویش است. معضلاتی که در فیلم مطرح می‌شوند در بسیاری از جوامع شرقی وجود دارند. «آرامبخش» از فضا و شخصیت‌هایی کاملاً ایرانی و بومی برخوردار است و همین ویژگی است که به آن تشخیص و اعتبار می‌بخشد. قصه زندگی مریم بر بستر آسیب‌های اجتماعی روایت می‌شود و مشکلاتی که زنان در جامعه‌ای مردسالار با آن دست به گریبانند. «آرامبخش» در طرح مشکلات اجتماعی متوسل



به سیاه نمایی نمی‌شود، شعار فمینیستی نمی‌دهد و از درس اخلاق دادن و نصیحت کردن تماشاگر می‌پرهیزد. بخشی از قصه بر قوانین و مقررات سازمان بهزیستی به عنوان یکی از نهادهای مداخله‌گر در آسیب‌های اجتماعی، متکی است. فیلمنامه‌نویس‌ها به خوبی از این قوانین در هدایت درام و پردازش داستان بهره‌جسته‌اند و همین نکته بر اهمیت کارشان افزوده است.

قرار گرفتن یک زن در کانون رخدادها بار عاطفی ماجراها را تشدید نموده و از همان نخستین لحظات به سرعت چشم‌ها را به پرده خیره می‌کند. قصه بسیار روان و به دور از پیچیده‌نمایی و ابهام زایی بی‌مورد روایت می‌شود. داستاتک‌های فرعی به درستی به داستان اصلی پیوند خورده و بلا تکلیف رها نمی‌شوند. گره افکنی‌ها و گره‌گشایی‌ها بسیار به موقع و تعلیق‌برانگیزند. برجسته‌ترین امتیاز فیلمنامه «آرامبخش»، حفظ تمرکز قصه بر کاراکتر زن آسیب‌دیده و مشکلات اوسب

که به تمرکز تماشاگر نیز کمک می‌کند.

عمده شخصیت‌ها ملموس، از جنس مردم کوچه و بازار و قابل‌باورند. بخش مهمی از این باورپذیری مدیون بازی کم‌نقص بازیگران حرفه‌ای فیلم است. الناز شاکر دوست هر چند در تعدادی از فیلم‌های اخیرش در نقش زن آسیب‌پذیر بازی قابل‌قبولی داشته است اما انتخاب مناسبی برای ایفای نقش مادر رنج‌دیده در «آرامبخش» به نظر نمی‌رسد. او بیش از حد برای چنین نقشی شیک و مدرن جلوه می‌کند تا جایی که در بخش‌هایی از «آرامبخش» دست و پنجه نرم کردنش با مشکلات اقتصادی و در تنگنا قرار گرفتنش به باور نمی‌نشیند. حسن پورشیرازی در نقش بهمن می‌درخشد اما کاراکتر و بازی‌اش آشکارا تحت تأثیر شخصیت پدر در فیلم «پپرپسر» (اکتای براهنی) است.

صحنه‌های تأثیرگذار در «آرامبخش» کم نیستند از جمله این صحنه‌ها می‌توان به سکانس خودکشی مریم اشاره کرد که اجرای تکنیکال بسیار خوبی دارد. فیلم بسیار خوش ریتم است و از نفس نمی‌افتد. «آرامبخش» بسیار حرفه‌ای تدوین شده است و به جز پلان‌های انتهایی، صحنه زائد تقریباً در آن وجود ندارد. پلان‌های انتهایی فیلم قابل‌حذف هستند. بهترین سکانس برای پایان‌بندی، صحنه پس‌دادن حلقه ازدواج جلوی دفتر ثبت‌طلاق است اما متأسفانه فیلم باز هم ادامه پیدا می‌کند بی‌آن‌که ضرورت داشته باشد. و با همه نواقض فیلم قابل‌دفاعی است و از آثار نسبتاً موفق حاضر در جشنواره فجر امسال محسوب می‌گردد.



استوار است که مخاطب به‌راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند. بازی طبیعی کودک فیلم نقش مهمی در ایجاد لحظات صمیمی و قابل‌لمس دارد. سایر بازیگران نیز در مجموع هماهنگ با فضای اثر عمل می‌کنند و مانعی برای پیش‌روی روایت ایجاد نمی‌کنند. از نظر ساختار، فیلم عاملدانه از پیچیدگی دوری می‌کند. روایت خطی، اتفاقات ساده و پایان‌بندی آرام، همگی در راستای حفظ لحن کم‌دعای فیلم هستند. شاید برخی موقعیت‌ها بیش از حد به تصادف متکی باشند، اما فیلم آن‌قدر بر صداقت احساسی خود پافشاری می‌کند که این ضعف‌ها چندان به چشم نیایند. در نهایت «قایق‌سواری در تهران» فیلمی درباره دل‌بستگی به شهری است که با تمام شلوغی‌ها و تناقض‌هایش، هنوز می‌توان آن را دوست داشت. فیلم یادآوری می‌کند که گاهی بازگشت، نه برای ماندن، بلکه برای روبه‌رو شدن و آشتی با گذشته ضروری است. اثری آرام، انسانی و کم‌دعا که بیش از آنکه بخواهد چیزی را ثابت کند، مخاطب را به مکث و تأمل درباره مسیری که طی شده دعوت می‌کند.

خودش هم جهت روشنی ندارد. لحن فیلم میان درام اجتماعی و کم‌دی ملایم حرکت می‌کند. شوخی‌ها اغلب از دل موقعیت‌ها بیرون می‌آیند و به‌جای آن‌که هدف اصلی باشند، به روان‌تر شدن روایت کمک می‌کنند. فیلم آگاهانه از کم‌دی اغراق‌آمیز فاصله می‌گیرد و ترجیح می‌دهد لحظات طنزآمیز را در دل رفتارهای ساده و آشنا پیدا کند. همین انتخاب باعث شده اثر، حال‌وهوایی صمیمی و باورپذیر داشته باشد. رابطه شکل‌گرفته میان مازیار و دختر بچه‌ای که به‌طور اتفاقی همراه او می‌شود، یکی از نقاط کلیدی فیلم است. این همراهی، بدون آنکه به شعار یا احساسات‌گرایی متوسل شود، امکان تغییر تدریجی شخصیت را فراهم می‌کند. فیلم در این بخش، بیش از آنکه به دنبال نمایش تحول ناگهانی باشد، بر تأثیر مواجهه‌های کوچک و انسانی تأکید می‌کند، مواجهه‌هایی که کم‌کم نگاه شخصیت را به مسئولیت و گذشته تغییر می‌دهد. پیمان قاسم‌خانی در نقش اصلی، حضوری آشنا دارد. بازی او بیش از آنکه متکی به تکنیک‌های نمایشی باشد، بر شخصیت‌پردازی

نگاهی به فیلم سینمایی «جانشین» به کارگردانی «مهدی شامحمدی»؛

پرتره انسانی یک فرمانده در میانه تصمیم و تردید

کم‌هیاهوترین و کنترل‌شده‌ترین بازی‌های خود را ارائه می‌دهد. او فرمانده‌ای را به تصویر می‌کشد که بیش از آن‌که اهل سخنرانی و نمایش باشد، درگیر اندیشه، تردید و مسئولیت است. این انتخاب بازیگرانه، کاملاً با رویکرد فیلم هم‌راستاست و مانع از تبدیل شخصیت اصلی به یک تیپ کلیشه‌ای می‌شود.

انسجام فنی و کنترل احساسات

از منظر فنی، «جانشین» فیلمی منظم و قابل‌انکاست. فیلمبرداری سعید براتی با نورپردازی سرد و قاب‌بندی‌های دقیق، فضای اضطراب‌آلود عملیات را به‌خوبی منتقل می‌کند. تدوین حمید نجفی‌راد ریتمی متعادل دارد و موسیقی آرش عزیزی بدون تحمیل احساسات، در خدمت فضا و روایت قرار می‌گیرد. فیلم آگاهانه از تحریک احساسی مستقیم پرهیز می‌کند.

محافظه‌کاری روایی؛ فرصت از دست‌رفته یا انتخاب آگاهانه؟

با این حال، محافظه‌کاری فیلم در برخی لحظات به چشم می‌آید. وفاداری بیش از حد به واقعیت تاریخی، گاه مانع از پرداخت عمیق‌تر برخی شخصیت‌های فرعی می‌شود و اجازه اوج‌گیری دراماتیک کامل را نمی‌دهد. این خویشتن‌داری اگرچه فیلم را از شعارزدگی دور نگه می‌دارد، اما می‌توانست با جسارت بیشتری به تعادل برسد. «جانشین» را می‌توان تلاشی جدی برای بازنگری در تصویر قهرمان در سینمای دفاع مقدس دانست. فیلمی که به‌جای تکرار الگوهای آشنا، فرمانده جنگ را در موقعیت انسانی و خطاپذیر قرار می‌دهد. اگر این مسیر در آثار بعدی ادامه یابد، «جانشین» می‌تواند به‌عنوان یکی از نمونه‌های قابل‌توجه سینمای شخصیت‌محور جنگ در سال‌های اخیر مورد ارجاع قرار گیرد.



پرهیجان نظامی نیست. فیلم تلاش می‌کند پیچیدگی طراحی، هماهنگی و مدیریت این عملیات را به زبان تصویر منتقل کند. بخش مهمی از روایت در فضاهای بسته، جلسات تصمیم‌گیری و لحظات پیش از اجرا می‌گذرد؛ جایی که جنگ، بیش از هر چیز، ذهنی و محاسبه‌محور است. این رویکرد هرچند ریتم فیلم را در برخی بخش‌ها آرام‌تر می‌کند، اما به فهم استراتژیک روایت کمک می‌کند

امیر آقایی؛ قهرمانی بدون اغراق

امیر آقایی در نقش شهید حسین املاکی، یکی از

نگاهی به فیلم سینمایی «قایق‌سواری در تهران» به کارگردانی «رسول صدرعاملی»؛

روایت آرام بازگشت و دل‌بستگی

فیلم سینمایی «قایق‌سواری در تهران» جزو فیلم‌هایی است که ادعای بزرگ ندارد، اما کم‌کم خودش را به تماشاگر نزدیک می‌کند. فیلم نمی‌خواهد قصه‌ای پیچیده را تعریف کند و به دنبال غافلگیر کردن مخاطب نیست؛ مسیر خود را به



موناگریمی

سادگی ادامه می‌دهد و بر احساساتی دست می‌گذارد که برای بسیاری آشناست مثل دل‌تنگی، بازگشت و رویارویی با مسائلی که نیمه‌کاره‌ها شده‌اند.

فیلم داستان مردی را روایت می‌کند که پس از سال‌ها زندگی در خارج از کشور، برای ازدواج به ایران بازمی‌گردد. این بازگشت در ظاهر موقتی است، اما به تدریج تبدیل به سفری درونی می‌شود، سفری که او را وادار می‌کند دوباره با آدم‌ها، خاطرها و انتخاب‌هایی روبه‌رو شود که در زمان رفتن، نیمه‌تمام رها شده‌اند. فیلم با محدود کردن روایت به یک روز شلوغ در تهران، موفق می‌شود فشار زمان و تداخل گذشته و حال را در دل موقعیت‌های روزمره نشان دهد. یکی از امتیازهای فیلم، نوع مواجهه آن با تهران است. «قایق‌سواری در تهران» صرفاً محل وقوع حوادث نیست، بلکه ساختار روایت را شکل می‌دهد. مسیرها، خیابان‌ها، ترافیک و سردرگمی‌های شهری، بازتابی از وضعیت ذهنی شخصیت اصلی‌اند. حرکت مدام میان لوکیشن‌ها، حس معلق بودن و بی‌قراری را تقویت می‌کند؛ گویی شخصیت، همان‌قدر که در شهر سرگردان است، در زندگی

فیلم سینمایی «جانشین» به کارگردانی مهدی شامحمدی، در ادامه جریان تازه‌ای در سینمای دفاع مقدس قرار می‌گیرد که به‌جای



مهدی دولت‌آبادی

بازنمایی صرف میدان‌نبرد، بر انسان پشت فرماندهی تمرکز دارد. فیلم با انتخاب برشی محدود از زندگی شهید حسین املاکی، می‌کوشد مفهوم قهرمانی را از شعار و اغراق دور کرده و به تصمیم، مسئولیت و فشار روانی نزدیک کند.

فاصله‌گیری آگاهانه از الگوی رایج سینمای جنگ

«جانشین» در ظاهر، همه مؤلفه‌های آشنای سینمای دفاع مقدس را دارد؛ فرمانده شهید، عملیات بزرگ و مقطعی حساس از جنگ تحمیلی. اما فیلم مهدی شامحمدی تلاش می‌کند از همان ابتدا زاویه نگاه خود را تغییر دهد. اینجا جنگ فقط میدان درگیری نیست، بلکه عرصه تصمیم‌گیری‌های دشواری است که گاه سرنوشت یک عملیات و ده‌ها انسان را رقم می‌زند. فیلم به‌جای تأکید بر جلوه‌های حماسی، به لایه‌های پنهان‌تر جنگ نزدیک می‌شود.

روایت یک مقطع به جای زندگی‌نامه کامل

یکی از انتخاب‌های مهم فیلم، پرهیز از روایت خطی و جامع زندگی شهید حسین املاکی است. «جانشین» به‌جای آن‌که در دام گزارش‌گونه شدن بیفتد، تنها بر یک مقطع تعیین‌کننده تمرکز می‌کند؛ مقطعی که در آن، املاکی به‌عنوان جانشین لشکر، با تصمیم‌هایی پیچیده و پرریسک روبه‌روست. این تمرکز زمانی، انسجام روایت را حفظ کرده و به فیلم اجازه داده به عمق موقعیت دراماتیک نفوذ کند.

عملیات نصر ۴؛ جنگ فراتر از میدان نبرد

عملیات «نصر ۴» در «جانشین» صرفاً یک بازسازی

نگاهی به فیلم «قایق‌سواری در تهران» آخرین ساخته رسول صدرعاملی؛

قصه‌ای ساده از معضلات پیچیده شهری

و در سوی دیگر، پیمان قاسم‌خانی به همراه کودک فیلم، داستان را پیش می‌برند. این دو مسیر موازی از طریق تماس‌ها و حوادثی که به دلیل جابه‌جا شدن اشتباهی گوشی‌های این دو شخصیت رخ می‌دهد، به هم پیوند می‌خورند.

صدرعاملی در کنار روایت داستان، نکات آموزشی اجتماعی را هم با زبان طنز وارد فیلم کرده است؛ از جمله عبور خودروها از خیابان‌های عبور ممنوع، توقف در محل توقف ممنوع، پارک دویل، ایستادن در ایستگاه اتوبوس یا حرکت پشت آمبولانس. پرداختن به این معضلات زندگی شهری، از نکات مثبت و قابل توجه فیلم به شمار می‌آید.

نام فیلم «قایق‌سواری در تهران» نیز به‌نظر می‌رسد برگرفته از همین بی‌نظمی‌ها و قانون‌گریزی‌های رایج در شهر باشد؛ جایی که هر فرد برای راحتی خود قانون را زیر پا می‌گذارد. درست‌مانند قایقی که در آب، بدون مسیر مشخص، به هر سو حرکت می‌کند. در شهر هم بسیاری از رانندگان، خودروهایشان را همچون قایق می‌رانند. انتخاب این نام، هوشمندانه و با مفهوم انجام شده است. در بخش بازیگری، پیمان قاسم‌خانی و بنیتا افشاری پتانسیل نامزدی دارند.

بازی‌آمین حیایی نیز با وجود حضور کوتاه، قابل قبول و تأثیرگذار بود. همچنین کاظم نوربخش، محمد بحرانی و دیگر بازیگران، ایفای نقش مناسبی داشتند. کارگردانی،

فیلم سینمایی «قایق‌سواری در تهران» به کارگردانی رسول صدرعاملی، با تهیه‌کنندگی روح‌الله سهرابی و فیلمنامه‌ای از پیمان قاسم‌خانی، روز شنبه ۱۸ بهمن برای اصحاب رسانه



مصطفی فرجی-متنقد سینما

اکران شد. دیدن این فیلم حال ما را خوب کرد و رسول صدرعاملی بار دیگر نشان داد که همچنان شَمّ فیلم‌سازی خود را حفظ کرده و در ساخت آثار اجتماعی، تبحر ویژه‌ای دارد.

این فیلم اجتماعی که چاشنی طنز ملایمی هم دارد، مخاطب را خسته نمی‌کند و بیننده را مدام منتظر دیالوگ‌های جذاب پیمان قاسم‌خانی و بازی دلنشین کودک فیلم، بنیتا افشاری، نگه می‌دارد. فیلمنامه‌ای که قاسم‌خانی نوشته، نشان می‌دهد او همچنان نویسنده‌ای است که طنز را با معنا و مفهوم همراه می‌کند.

داستان فیلم درباره مردی (با بازی پیمان قاسم‌خانی) است که پس از سال‌ها از خارج از کشور به تهران بازمی‌گردد و بعد از دیدار با دوستان قدیمی، برای گرفتن شناسنامه راهی ثبت‌احوال می‌شود. در این مسیر، اتفاقات جالب و جذابی برای او رخ می‌دهد.

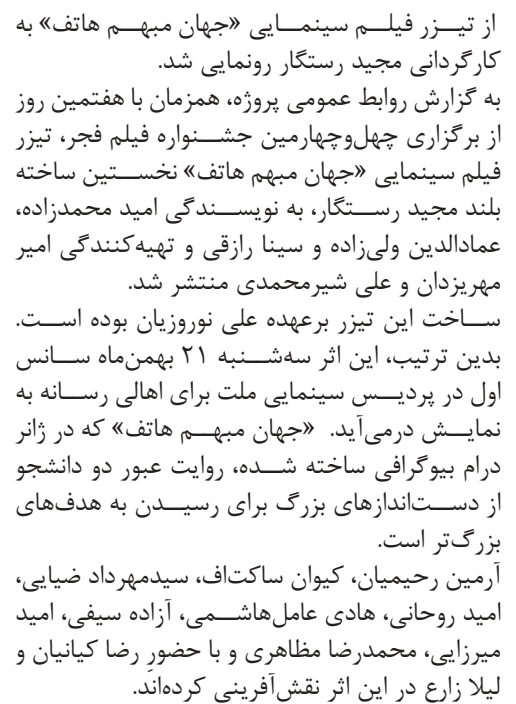
فیلم دارای دو خط داستانی موازی است؛ در یک سو ماجرای سحر دولتشاهی و اتفاقات پیرامون او را می‌بینیم

بازدید کردن به کران در سینمای رسانه؛
تیزر فیلم سینمایی
«جهان مبهم هاتف»
منتشر شد

بازدید کردن به اگران در سینمای رسانه؛

تیزر فیلم سینمایی
«جهان مبهم هاتف»
منتشر شد

ترکیب منو و تو همیشه جواب میده!



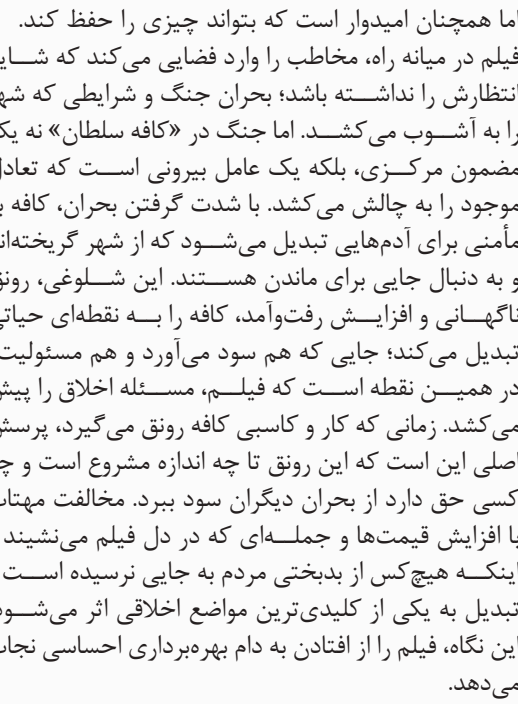
از تیزر فیلم سینمایی «جهان مبهم هافت» به کارگردانی مجید رستگار رونمایی شد.

به گزارش روابط عمومی پروژه، همزمان با هفتمین روز ز برگزاری چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، تیزر فیلم سینمایی «جهان مبهم هافت» نخستین ساخته بلند مجید رستگار، به نویسندگی امید محمدزاده، عمادالدین ولی‌زاده و سینا رازقی و تهیه‌کنندگی امیر مهریزدان و علی شیرمحمدی منتشر شد.

ساخت این تیزر برعهده علی نوروزیان بوده است. بدین ترتیب، این اثر سه‌شنبه ۲۱ بهمن‌ماه سالن اول در پردیس سینمایی ملت برای اهالی رسانه به نمایش درمی‌آید. «جهان مبهم هافت» که در ژانر درام بیوگرافی ساخته شده، روایت عبور دو دانشجو از دست‌اندازهای بزرگ برای رسیدن به هدف‌های بزرگ‌تر است.

آرمین حرمیان، کیوان ساکت‌اف، سیدمهداد ضیایی، امید روحانی، هادی عامل‌هاشمی، آزاده سیفی، امید میرزایی، محمدرضا مظاهری و با حضور رضا کبانیان و لیلای زارع در این اثر نقش‌آفرینی کرده‌اند.

مقدی بر «کافه سلطان» آخرین اثر «مصطفی رزاق کریمی» به بهانه اکران در جشنواره فجر؛



ما همچنان امیدوار است که بتواند چیزی را حفظ کند. فیلم در میانه راه، مخاطب را وارد فضایی می‌کند که شاید انتظارش را نداشته باشد؛ بحران جنگ و شرایطی که شهر را به آشوب می‌کشد. اما جنگ در «کافه سلطان» نه یک مضمون مرکزی، بلکه یک عامل بیرونی است که تعداد موجود را به چالش می‌کشد. با شدت گرفتن بحران، کافه به مأمنی برای آدم‌هایی تبدیل می‌شود که از شهر گریخته‌اند و به دنبال جایی برای ماندن هستند. این شلوغی، رونق ناگهانی و افزایش رفت‌وآمد، کافه را به نقطه‌ای حیاتی تبدیل می‌کند؛ جایی که هم سود می‌آورد و هم مسئولیت در همین نقطه است که فیلم، مسئله اخلاق را پیش می‌کشد. زمانی که کار و کاسبی کافه رونق می‌گیرد، پرسش اصلی این است که این رونق تا چه اندازه مشروع است و کسلی حق دارد از بحران دیگران سود ببرد. مخالفت مهمانان با افزایش قیمت‌ها و جمله‌ای که در دل فیلم می‌نشیند اینکه هیچ‌کس از بدبختی مردم به جایی نرسیده است تبدیل به یکی از کلیدی‌ترین مواضع اخلاقی اثر می‌شود. این نگاه، فیلم را از افتادن به دام بهره‌برداری احساسی نجات می‌دهد.

فیلم «کافه سلطان» به تهیه‌کنندگی «مرتضی رزاق کریمی»، کارگردانی «مصطفی رزاق کریمی» و نویسندگی «عطیه آرندی»، با تکیه بر یک فضای آشنا و نوستالژیک، مخاطب را به دل از آن که محل کسب و کار باشد، به دهمای در راهمانده تبدیل می‌شود؛ درام اجتماعی، تلاش می‌کند نسبت زیست جمعی را به تصویر بکشد.

ن ابتدا نشان می‌دهد که قصد ندارد کلاسیک پیش برود. فیلم با یک ساگر را وارد جهانی می‌کند که قرار توضیح داده شود، بلکه باید حس و صندلی‌هایی یادآور دهه شصت، که در پرزرق و برق، اما بوی زندگی است و در تمام طول فیلم حفظ می‌شود. محل اضطراب و آشوب نیست، اما بیرون به آن هجوم می‌آورند، خود را حفظ می‌کند.

زیتا حاجیان در نقش زوج میانسال، تصویری باورپذیر از نسلی ارائه می‌دهد که به مهارت و سود فکر کنند، و کنار هم بودن دل بسته است. سبب، با وجود ادعای علاقه به قهوه، است، کند، اما بودن در کافه و کنار را دوست دارد. این تناوی، نه نقطه شخصیت اوست؛ مردی که بیشتر به می‌دهد تا حرف‌های گری.

زیتا حاجیان، قلب تپنده فیلم، مضطرب و در عین حال مقاوم؛ پدر خانواده را در کنار هم نگه دارد و خاک را می‌مچد، بلکه نمادی از خانواده‌ای است. اضطراب مهتابی، اضطراب از دست دادن پیوندهاست، است که بدون اغراق، تگرانی دائمی، منتقل می‌کند؛ مادری که می‌داند، ممکن است بنیان خانواده را بلرزاند.

حضور رائد فریدزاده،
رئیس سازمان سینمایی
در غرفه روزنامه «هنرمند»
در چهل و چهارمین جشنواره
فیلم فجر
عکس: میلاد بهشتی



دربروز داشتیم توی فضای مجازی می‌چرخیدیم که چشمم خورد به فهرست بودجه‌های فرهنگی سال ۱۴۰۵. عددها اولش شبیه شوخی بود، ولی اصلاً شوخی نبود. صد و سی و سه هزار میلیارد تومان. سازمان تبلیغات اسلامی ۳۷ هزار میلیارد، بنیاد فقهیه ۲۱ هزار میلیارد. سازمان حج و زیارت ۳۱۳ میلیارد. تأکید می‌کنم: تومان، نه ریال. این‌ها فقط چند نمونه از یک فهرست طولانی‌اند. سؤال ساده است: آخر سال، کسی از این نهادها گزارش خرج کرد هم می‌خواهد یا نه؟ اصلاً نهادهای هست که بپرسد این پول‌ها دقیقاً کجا رفته و چه خروجی‌ای داشته؟

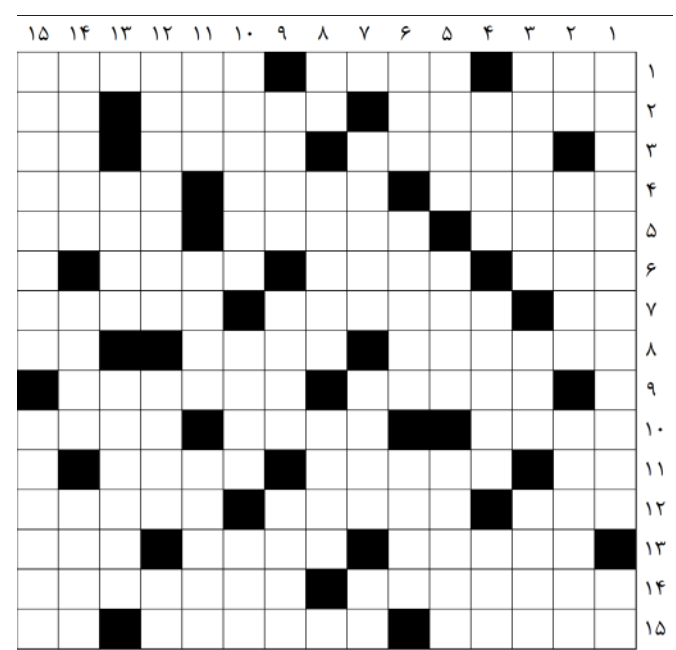
حالا بیایید فقط روی رسانه‌ها زوم کنیم. خبرگزاری مهر، زیرمجموعه سازمان تبلیغات و بودجه میلیاردی؛ ایرنا ۵۰۶ میلیارد. ایسنا ۱۷۵ میلیارد. فارس و تسنیم هم که بدانستانشان مفصل تر است و عددهایشان احتمالاً درشت‌تر. سؤال اینجاست: با این حجم از بودجه، کارکرد این رسانه‌ها دقیقاً چیه؟ آیا در بزنگاه‌های واقعی کشور، مرجعیت رسانه‌ای دارند؟ آیا توانسته‌اند جریان‌سازی کنند؟ یا فقط به تکرار خبر و بیانیه و واکنش‌های خنثی بسنده کرده‌اند؟

واقعیت تلخ این است که حتی خود مقامات رسمی کشور هم در مقاطع حساس، مثل مذاکرات ایران و آمریکا در عمان یا حتی در جریان جنگ ۱۲ روزه، تمایلی به استفاده از همین رسانه‌های دولتی و شبه‌دولتی نداشتند. ترجیح دادند بروند سراغ (ایکس) توئیتر و شبکه‌های اجتماعی. این یعنی اعتراف عملی به بی‌اثر بودن رسانه‌هایی که سالانه هزاران میلیارد تومان از بیت‌المال می‌بلعند. رسانه‌ای که در جنگ روایت‌ها غایب است، حتی اگر بودجه‌اش نجومی باشد، عملایی مصرف است.

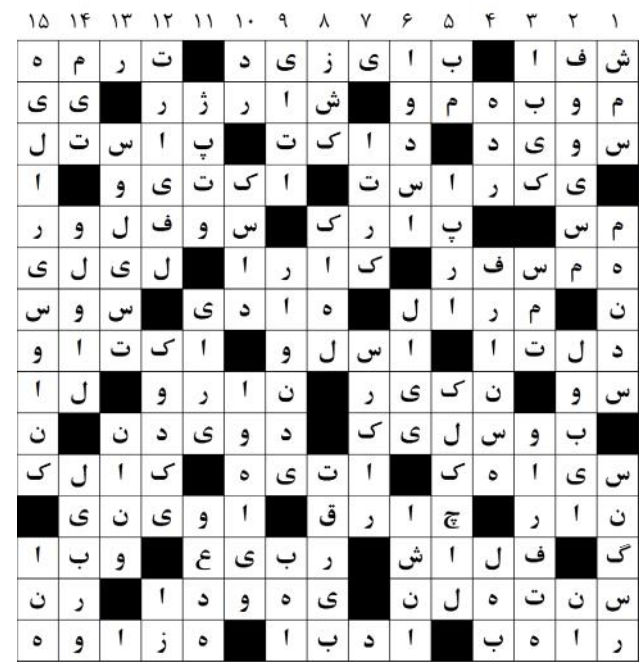
مسئله فقط پول نیست، مسئله هدیرفت اعتماد و مرجعیت است. وقتی رسانه‌ای نه در داخل شنیده می‌شود و نه در خارج دیده، دیگر اسمش رسانه نیست؛ تبدیل می‌شود به یک دستگاه پره‌زبانه اداری با خروجی حداقلی. مرگ مرجعیت رسانه‌ای، اتفاقی نیست که یک‌شنبه رخ داده باشد؛ نتیجه سال‌ها بی‌پاسخ‌گذاشتن سؤال «کار کرد» است. از آن طرف، فشار اقتصادی واقعی است و مردم زیر بار معیشت خم شده‌اند. اما رسانه‌ای که فقط از کف قناری می‌گوید و هیچ روزنای نشان نمی‌دهد، خودش بخشی از بحران می‌شود. در خیلی از کشورهایی که تجربه تلخ کودود فشار اقتصادی داشته‌اند، رسانه‌ها آگاهانه از زبان «درماندگی ملی» فاصله گرفتند، چون فهمیدند باز تولید این تصویر، رگودر تصمیق‌تیر می‌کند، رسانه قرار نیست امید کاذب بفروشد، اما حق هم ندارد امید ممکن را خفه کند. قول می‌دهند، حتی تند؛ اما وقتی نقد به تصویر و ماندگی مطلق می‌رسد، دیگر نقد نیست، مشارکت در فرسایش اجتماعی است. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.

۱- سینمای معروف آبادان - بهار عرب - از غذاهای مهم پاکستان -۲- شیرینی سنتی زاپنی - گلدسته مسجد - چاشنی غذایی -۳- منجی - سازه هندی - موفر - مادر عرب -۴- منجی - جیم شیخ - شبکه استانی صداوسیما مرکز همدان -۵- در کبد تولید می شود - سروری - دریاچه دیدنی الموت قزوین -۶- آلو کوهی - راستگو - بدون آستر -۷- خدای درویش - تأمین کننده معاش افراد خانواده - دندان چین اسبی را نهی -۸- شازنده - بوستان جنگلی سرسبز لاهیجان -۹- مجموعه ای لذیذ گوشت - ناپایدار -۹- مجموعه داستانی نوشته محمدرضا رهگذر - سازی ابوابادی -۱۰- مسیر یک جرم آسمانی - ابنزوا - وسایل - رمانی نوشته شارلوت برونته -۱۱- درخت زبان گنجشک - چرمچه - ضعیف و سستی -۱۲- زرنگ و زیرک - پایتخت ویتنام - پافشاری کردن -۱۳- مأمور تقسیم آب در مزارع - نخستین مرد شهید اسلام - پیش مقدمه مکالمه تلفنی -۱۴- روستای گردشگری مازندران - داستانی منظوم از نظامی گنجوی -۱۵- کخدا - تواضع - قدم یکجا.

۱- فیلم درام معمایی ساخته کلینت ایستوود و بازی‌شان بن و تیم راینیز- ۲- نامه کار ناتمام- سراینده منوی معنوی- ادامه هر چیز ۳- داستانی نوشته جک لندن- نام اختصاری راه آهن- جمهوری اسلامی ایران- برگزیده از هر چیز ۴- عقیده- مسیحیان- چین و چروک پوست- واحد شمارش گردن بدن- فیلتر- ۵- قور دادن- امر به آمدن- نامی دخترانه- بارندگی ۷- از خوشنویسان صاحب نام سده یازده هجری در ایران و هند- اسباب آشنیزخانه- گرما- برادر پدر- سنگی زبنتی- ادعا- جلوه- پایتخت لتونی- تکیه- کلام درویش ۱۰- مراسم روز بعد از عروسی شاعر اصفهانی- فاقد قابلیت انعطاف ۱۱- پاساژ مثبت- نوعی ماهی استخوانی آب های شیرین- عنکبوت ۱۲- از آثار سیمون دوبوار، بنوی نویسنده فرانسی- هنر- عدد نادانی ۱۳- آهسته و آرام- خمد- نقاشی روی شیشه ۱۴- هادی الکتريسيته- از درجات قدیم ارتش ایران- کشف- رازی ۱۵- آلبومی با آواز محمدرضا شجری برای گروه و آوازه سر دستگاه سه گاه- کتاب.



جدول ہنری ۶۹۶



یادداشت

همزمان با دهه مبارک فجر و با حضور وزیر کار؛

تصفیه‌خانه ذوب‌آهن اصفهان با هدف کاهش برداشت آب از زاینده‌رود افتتاح شد



اصفهان-محسن راعی: پروژه تصفیه‌خانه کارخانه ذوب‌آهن اصفهان با هدف کاهش قابل توجه برداشت آب از رودخانه زاینده‌رود، طی مراسمی به مناسبت دهه مبارک فجر و همزمان با افتتاح چندین پروژه وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی، روز شنبه ۱۸ بهمن‌ماه به‌صورت وینپار افتتاح شد. این مراسم با حضور وینپاری دکتر میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دکتر محمدرضا سعیدی مدیرعامل هلدینگ شستا و همچنین با حضور سید اردشیر افضل‌ی مدیرعامل و جمعی از معاونین و مدیران ذوب‌آهن اصفهان برگزار شد. سید اردشیر افضل‌ی در این مراسم گفت: ظرفیت ورودی این تصفیه‌خانه ۸۵۰ مترمکعب در ساعت و ظرفیت خروجی آن ۵۵۰ مترمکعب در ساعت است که نیمی از آب خروجی به‌صورت آب نرم و نیمی دیگر به‌عنوان آب صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی با اشاره به هزینه اجرای این پروژه افزود: برای اجرای این طرح حدود ۲ همت سرمایه‌گذاری انجام شده و همچنین یک و شش دهم همت هزینه ساخت پمپ خانه‌ها و آب‌فا می‌باشد. امیدوارم این پروژه گامی مثبت برای صنعت، جامعه و کشور عزیزمان ایران باشد. مدیرعامل ذوب‌آهن اصفهان ضمن قدردانی از حمایت‌های انجام‌شده تصریح کرد: از دکتر میدری وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مسئولان هلدینگ شستا و شرکت صدرا تأمین بابت حمایت از اجرای این پروژه، همچنین از استاندار و فرماندار اصفهان و شورای اسلامی شهرستان لنجان کمال قدردانی را دارم. افضل‌ی با تأکید بر آثار زیست‌محیطی این طرح گفت: اجرای این پروژه موجب کاهش قابل توجه برداشت آب از رودخانه زاینده‌رود خواهد شد و امیدواریم با اجرای پروژه‌های مختلف، ذوب‌آهن اصفهان جایگاه شایسته خود را در صنعت کشور بیش از پیش به‌دست آورد. شایان ذکر است پروژه احداث تصفیه‌خانه فاضلاب کارخانه ذوب‌آهن اصفهان با ظرفیت ورودی ۸۵۰ مترمکعب در ساعت و با هدف تصفیه و بازچرخانی فاضلاب انسانی و صنعتی، به‌منظور تأمین آب نرم و آب صنعتی مورد نیاز کارخانه و حفظ منابع آبی استان اجرا شده است. بر اساس این گزارش، ۵۵۰ مترمکعب در ساعت از فاضلاب ورودی مربوط به فاضلاب انسانی و پساب صنعتی بوده و ضریب بازیابی این تصفیه‌خانه ۹۰ درصد اعلام شده است. خروجی سالانه این تصفیه‌خانه حدود ۶۶ میلیون مترمکعب آب برآورد می‌شود و این پروژه در قالب قرارداد BOT با خرید تضمینی آب خروجی به مدت ۱۵ سال به بهره‌برداری خواهد رسید. سرمایه‌گذاری این طرح توسط بخش پروژه‌های سرمایه‌گذاری گروه مینا انجام شده و شرکت نصب نیرو از زیرمجموعه‌های این گروه به‌عنوان پیمانکار EPC اجرای پروژه را بر عهده داشته است. سرمایه‌پذیر این پروژه نیز شرکت سهامی ذوب‌آهن اصفهان است.

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آذربایجان شرقی تدارک دید؛

برگزاری جشن های بزرگ نیمه شعبان و فجر انقلاب در تبریز



تبریز: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی آذربایجان شرقی جشن های بزرگ نیمه شعبان و فجر انقلاب را برگزار کرد. همگام با سراسر ایران اسلامی جشن بزرگ شوق انتظار، طلوع شورانگیز مهدوی (عج) و شور فجر چهل و هفتمین سالگرد پیروزی شکوهمند اسلامی با حضور کارکنان و خانواده های شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه آذربایجان شرقی با اجرای برنامه های هنری، فرهنگی و مذهبی برگزار شد. ناصر راشدی مدیر شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آذربایجان شرقی، ضمن تبریک ایام الله دهه مبارک فجر با اشاره به رسالت شرکت در تأمین و توزیع سوخت مورد نیاز بخش های مختلف از تلاش و مجاهدت بی وقفه کارکنان منطقه در شرایط بحرانی به ویژه ایام جنگ ۱۲ روزه با رژیم غاصب اسرائیل و پشتیبانی خانواده کارکنان تقدیر کرد. حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی عالی امام جمعه موقت تبریز با بیان اهمیت اخلاق در تحکیم خانواده با توجه به روایات اسلامی مطالبی ارزشمند در خصوص معنویت و بحث انتظار و معرفت امام و وظیفه شیعه در عصر غیبت اظهار کرد. اجرای جشن تکلیف برای فرزندان کارکنان، مسابقات فرهنگی و مفرح با اهدای هدیه، تواشیح و مولودی خوانی، موسیقی و نمایش طنز توسط گروه های هنری برجسته از جمله برنامه های این جشن مفرح و صمیمی بود.



افتتاح‌شده گفت: امروز با دستور رئیس‌جمهور، طرح تقاطع غیرهمسطح میثم در کمربندی جنوبی شیراز با اعتباری افزون بر یک هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان به نمایندگی از ۶۵۲ پروژه شهری استان فارس به بهره‌برداری رسید که نقش مهمی در کاهش ترافیک و تصادفات این شهر دارد. وی افزود: همچنین پروژه سیل‌بند روستای تاریخی و هدف گردشگری گاره شهرستان خفر با اعتباری بیش از پنج میلیارد تومان، به نمایندگی از ۳۷۵ پروژه روستایی(دهیاری‌های) استان فارس به بهره‌برداری رسید.

به همت کمیته امداد استان انجام شد؛

توزیع ۲۲۰۰ سری جهیزیه در فارس

۷۱۰۰ قلم لوازم ضروری به خانواده‌های نیازمند اهدا شد

شورای اسلامی نیز در این مراسم با قدردانی از خدمات کمیته امداد امام خمینی(ره) استان فارس، رویکرد ترکیبی این نهاد در حمایت معیشتی، توزیع جهیزیه و توسعه کارآفرینی را الگویی اثربخش ارزیابی کرد. وی با اشاره به حمایت‌های مجلس از کمیته امداد گفت: در فرآیند بررسی بودجه‌های سنوایی، تلاش شده است با تقویت منابع مالی و ایجاد گنجایش‌های قانونی، زمینه استفاده مؤثرتر این نهاد از ظرفیت‌های نظام بانکی و بازار سرمایه فراهم شود. قادری استان فارس را از استان‌های پیشرو در مشارکتهای مردمی و خیرخواهانه دانست و افزود: فعالان اقتصادی استان همواره نگاه ویژه‌ای به حمایت از محرومان داشته‌اند و این ظرفیت می‌تواند به پشتوانه اجرای طرح‌های بزرگ اجتماعی و اقتصادی باشد. وی همچنین بر طراحی مدل‌های نوین تأمین مالی و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری خرد تأکید کرد و گفت: کمیته امداد می‌تواند نقش مهمی در تبدیل طرح‌های کلان به پروژه‌های مشارکتی ایفا کند.

حفظ کرامت خانواده‌ها در اولویت

مرتضی موصلی، مدیرکل کمیته امداد امام خمینی(ره) استان فارس، با اشاره به توزیع بیش از ۲۲۰۰ سری جهیزیه در ایام دهه فجر و ماه مبارک

استاندار:

فارس رتیه اول کشور را از نظر تعداد پروژه‌های دهه فجر دارد

پروژه‌های استان با رویکرد عدالت‌محوری و در راستای سیاست‌های دولت چهاردهم اجرایی می‌شود

پروژه در استان خواهیم بود. **رتبه نخست کشوری در بهره‌برداری از پروژه‌ها** حسینعلی امیری افزود: استان فارس رتبه نخست کشور را در بهره‌برداری از پروژه‌های دهه مبارک فجر کسب کرده است؛ بخش عمده این طرح‌ها در حوزه‌های آموزش، مسکن، سلامت، راه‌های روستایی و مدیریت ناترازی انرژی با رویکرد عدالت‌محوری در راستای سیاست‌های دولت چهاردهم اجرا شده و توزیع آن‌ها در سراسر استان گسترده بوده است. وی ادامه داد: آمارها نشان می‌دهد که در توزیع پروژه‌ها بیشترین توجه به مناطق کمتر برخوردار استان انجام شده به نحوی که در همه شهرستان‌های استان پروژه‌های متعددی افتتاح می‌شود و در ۳۳ شهرستان، هر کدام بیش از ۲۲ پروژه به بهره‌برداری می‌رسد. نماینده

شیراز-سحر فکورپور: در مراسمی با دستور ویدئوکنفرانسی رئیس‌جمهور با حضور استاندار فارس در محل یکی از پروژه‌های شهری شیراز، همزمان یک هزار و ۲۷ پروژه شهری و روستایی در استان فارس افتتاح شد؛ این پروژه‌ها با هدف توسعه زیرساخت‌ها و بهبود کیفیت زندگی شهروندان فارسی به بهره‌برداری رسید. این پروژه‌ها شامل ۶۵۲ پروژه شهری و ۳۷۵ پروژه روستایی است که روز یکشنبه ۱۹ بهمن همزمان با دهه مبارک فجر به بهره‌برداری رسید. استاندار فارس در مراسم بهره‌برداری از ایسن پروژه‌ها که در ارتباط ویدئو کنفرانسی با رئیس‌جمهور برگزار شد، با اشاره به افتتاح ۲ هزار و ۶۶ طرح عمرانی به ارزش ۱۱۳.۷ هزار میلیارد تومان در دهه فجر امسال، گفت: علاوه بر افتتاح این پروژه‌ها، شاهد آغاز عملیات اجرایی چند



شیراز- سحر فکورپور: همزمان با میلاد باسعادت حضرت ولی‌عصر(عج) و ایام‌الله دهه فجر، آیین توزیع ۲ هزار و ۲۰۰ سری جهیزیه میان نوجوانان و اهدای ۷ هزار و ۱۰۰ قلم کالای ضروری زندگی به خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) استان فارس برگزار شد. این مراسم با حضور استاندار فارس، نماینده مردم شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی، مدیرکل کمیته امداد استان و جمعی از مدیران اجرایی، بانکی و خیرین همراه بود. این آیین، نمادی روشن از حمایت از هوافزاری نهادهای حاکمیتی، خیرین و سازمان‌های حمایتی در مسیر حمایت هدفمند از خانواده‌های نیازمند به‌شمار می‌رود؛ رویکردی که فراتر از کمک‌های مقطعی، توانمندسازی و حفظ کرامت خانواده‌ها را به‌عنوان محور اصلی سیاست‌های اجتماعی دنبال می‌کند.

حسینعلی امیری، استاندار فارس، در این مراسم با

تبریک میلاد امام زمان(عج) و دهه فجر، نیکوکاری و

معاون هماهنگی امور گردشگری و زیارت استانداری فارس:

توسعه دیپلماسی گردشگری دستور کار استانداری فارس است

وی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه حمل‌ونقل هوایی افزود: یکی از برنامه‌های مهم ما، راه‌اندازی نوروز ایرلاین با محوریت شیراز و با همکاری بخش خصوصی است. در همین راستا، تلاش می‌شود تا اردیبهشت‌ماه، این شرکت هواپیمایی پروازهای خود را از شیراز آغاز کند. پارسایی ادامه داد: همچنین راه‌اندازی پرواز شیراز-دوشنبه در دستور کار قرار گرفته و پس از برگزاری چندین جلسه و گفت‌وگو با طرف‌های مربوطه، احتمال می‌رود این پرواز به‌صورت مستقیم از ایام نوروز آغاز شود. معاون گردشگری استانداری فارس به برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی در شیراز نیز اشاره کرد و گفت: با استقبال وزارت میراث فرهنگی، اجلاس وزرای فرهنگ و

شیراز- سحر فکورپور: معاون هماهنگی امور گردشگری و زیارت استانداری فارس از برنامه‌ریزی برای توسعه رویدادهای مشترک گردشگری با کشورهای منطقه با محوریت استان فارس و شهر شیراز خبر داد. مهدی پارسایی در گفتگو با خبرنگاران، اظهار کرد: در سال گذشته برنامه‌هایی برای برگزاری رویدادهای مشترک فرهنگی و گردشگری از جمله جشن یکصدمین سالگرد تأسیس ارکستر فیلارمونیک ارمنستان و اجلاس بین‌المللی ایران شناسی در شیراز پیش‌بینی و برگزار شد، اما به دلیل شرایط خاص برخی کشورها، اجرای این رویدادها به‌طور موقت متوقف شده ولی با این حال موضوع احیای این برنامه‌ها همچنان در دستور کار قرار دارد.

تأکید مدیر بهره‌برداری گاز مازندران بر تقویت آموزش، نظارت و برنامه‌ریزی برای ارتقای خدمات



به گزارش روابط عمومی مدیر بهره‌برداری شرکت گاز مازندران در نشست تخصصی حوزه بهره‌برداری، با تأکید بر توانمندسازی نیروی انسانی، رعایت انضباط سازمانی و برنامه‌ریزی هدفمند، خواستار ارتقای کیفیت خدمات و افزایش بهره‌وری در سطح استان شد. نشست حوزه مدیریت بهره‌برداری شرکت گاز استان با حضور مدیران ستادی و رؤسای شهرستان‌ها برگزار شد و محمدتقی اسماعیلی، مدیر بهره‌برداری شرکت گاز مازندران، بر لزوم انتقال دقیق سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها به بدنه سازمان تأکید کرد. وی با اشاره به اهمیت آموزش مستمر



البرز- در راستای اجرای مصوبات ستاد تنظیم بازار و به دنبال دستور صادقلو، فرماندار محترم شهرستان ساوجبلاغ، مبنی بر تأمین و مهیاسازی محلی مناسب جهت توزیع اقلام ضروری و تنظیم بازار، بازارچه بازچه متعلق به شهرداری هشتگردواقع در بلوار خیرنگار در دستور کار آمادسازی قرار گرفت. در همین راستا، رئیس، شهردار هشتگرد، با همراهی رئیس اتاق اصناف شهرستان و معاون خدمات شهری شهرداری، از محل بازارچه بلوار خیرنگار بازدید به عمل آورد و ضمن بررسی وضعیت موجود، بر تسریع در آمادسازی محوطه، سازه‌ها و زیرساخت‌های لازم برای استقرار اصناف مرتبط با طرح تنظیم بازار تأکید کرد. بازارچه بلوار خیرنگار پیش از این

پیام رئیسی، شهردار هشتگرد:

احیای بازارچه بلوار خیرنگار با هدف حمایت از معیشت شهروندان

به‌عنوان محل استقرار دستفروشان پیش‌بینی شده بود که پس از دوری کوتاه از فعالیت، به دلایلی از جمله عدم استقبال شهروندان و فعالان این حوزه، تعطیل شد. شهرداری هشتگرد طی سال‌های اخیر با انتشار فراخوان‌هایی، تلاش کرد از طریق مشارکت بخش خصوصی این بازارچه را فعال‌سازی کند که متأسفانه این اقدامات با استقبال لازم همراه نشد. شهردار هشتگرد در جریان این بازدید، موقعیت مکانی بازارچه بلوار خیرنگار را برای اجرای مصوبات ستاد تنظیم بازار شهرستان مناسب ارزیابی کرد و گفت: این بازارچه از زیرساخت‌ها و امکانات اولیه از جمله پارکینگ مناسب، سرویس‌های بهداشتی، دفتر مدیریت، محل استقرار نگهبان و همچنین دسترسی مناسب از دو ضلع شمالی و جنوبی برخوردار است که شرایط مطلوبی را برای توزیع اقلام تنظیم بازار فراهم می‌کند. بر اساس این گزارش، با تکمیل فرایند آمادسازی، این بازارچه به‌عنوان یکی از مراکز اصلی توزیع اقلام اساسی و مورد نیاز شهروندان در شهرستان ساوجبلاغ مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

کانون آگهی و تبلیغاتی

شماره تماس: ۰۲۱-۷۷۸۵۱۷۲۵

آواهای پاییز

منشور اخلاقی و درباره ما روزنامه هنرمند



سیستم مدیریت کیفیت - رضایتمندی مشتری ISO 10004:2012
سیستم مدیریت کیفیت ISO 9001 : 2008
instagram.com/honarmandonline
telegram.me/honarmandnews
www.honarmandonline.ir

اوقات شرعی

اذان ظهر ۱۲:۰۱
غروب آفتاب ۱۷:۰۶
اذان مغرب ۱۷:۲۶
اذان صبح فردا ۰۵:۴۵
طلوع آفتاب فردا ۰۷:۱۵

گنج سخن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله،
سعادتمند حقیقی کسی است که علی را در
حیات او و پس از رحلتش دوست بدارد.
[آمالی صدوق، ص ۲۴۹]

حافظانه

بالابلند عشوهر گر نقش باز من
کوتاه کرد قصه زهد دراز من
دیدنی دلا که آخر پیری و زهد و علم
با من چه کرد دیده معشوقه باز من
می ترسم از خرابی ایمان که می برد
محراب ابروی تو حضور نماز من
گفتم به دل زرق بپوشم نشان عشق
غماز بود اشک و بیان کرد راز من
مست است یار و یاد حریفان نمی کند
ذکرش به خیر ساقی مسکین نواز من
یا رب کی آن صبا بوزد کز نسیم آن
گردد شمامه کرشم کارساز من
نقشی بر آب می زنم از گریه حالیا
تا کی شود قرین حقیقت مجاز من
بر خود چو شمع خنده زنان گریه می کنم
تا با تو سنگ دل چه کند سوز و ساز من



نگاهی به فیلم سینمایی «جانشین» کاری از «مهدی شامحمدی»

از جلو نظام، عقب گرد



اسلام فتحی- منتقد

فیلم جانشین یک فیلم بیوگرافی در حوزه سینمای دفاع مقدس است که قرار است برشی از زندگی شهید حسین املاکی فرمانده اطلاعات و شناسایی جنگ در دوران جنگ تحمیلی را روایت کند.

قصه این فیلم، نقش سرنوشت‌ساز حسین املاکی جانشین لشکر قدس گیلان را در طراحی و اجرای عملیات بزرگ و پیچیده نصر ۴ روایت می‌کند.

اساساً فیلمهایی که در خصوص دفاع مقدس و شهدا ساخته می‌شود (بجز معدود فیلمهایی، از جمله فیلم قبلی خود این کارگردان) دچار شعار زدگی و کلیشه می‌شوند. گویی کلیشه‌سازی، قرار نیست، دست از سر این سوزها بردارد. این کلیشه‌زدگی‌ها عملاً فیلمساز را در تعقیب و رسیدن به هدف سینماتیک و دراماتیزه شده، گمراه می‌کند. کلیشه‌زدگی از مقدس و قدسی نمایی شخصیت‌ها ناشی می‌گیرد، و بازدارندگی برای همذات‌پنداری ایجاد کرده و آن بخش از اصول دراماتیکی که بیننده باید با شخصیت همراه شود را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. در اینجا با فرد مهمی مواجهیم که در شناسایی و تعقیب و مراقبت منطقه و طراحی یک عملیات مهم مدتها زحمت کشیده و کار کرده و حتی حواشی عملیات و خرده مزاحمت‌ها (و منافقین) را هم خنثی کرده، اما به یکباره در حادثه‌ای هوشیاری خود را از دست داده و دچار فراموشی شدیدی می‌شود. تا اینجا فیلم بجز برخی خرده سکاسن‌های بی‌مورد و اضافی، درام خوب و فیلم درست پیش می‌رود. در ادامه و بناچار وی را به روستایی محل زندگی‌اش و نزد خانواده‌اش می‌برند و هر کاری می‌کنند حافظه بر نمی‌گردد همسرش کلیشه‌ای و ساختگیست و رفتار و گفتارش بیننده را پس می‌زند اما شکیب شجره، برادر زنش، به جهت بازی خوب‌اش این فصل بد (هم در فیلمنامه و هم اجرا) را قابل تحمل می‌کند. در نهایت با حادثه‌ای، به شکل دستمالی، کلیشه‌ای و شاید فانتری، تمام حافظه بر می‌گردد که هیچ، بلکه برادر زن را هم با خود می‌برد. (البته که اگر نمی‌برد، مابقی فیلم کلاً به فنا می‌رفت، چرا که بازی خوب شجره، فیلم را هل می‌دهد و شاید بهتر است بگوییم، بیننده با وی همراه میشود نه شخصیت اصلی. فرامرز تپ است اما به شخصیت نزدیک می‌شود، تفنگ برنو دارد، شبیه میرزا کوچک‌خان است، شکارچی گراز است، اما سربازی نرفته، اینها همگی حاکی از مبارز بودن و از طرفی هابیر اکتینگ بودن این شخصیت است و یکی از نکات مثبت فیلمساز انتخاب شجره برای این نقش (است) براحتی با یک سرچ ساده در فیلمهایی با موضوع دفاع مقدس و شهدا، این گونه شخصیت‌ها (کسی که از بچگی یا زمانی طولانی با شخصیت اصلی بوده برادر، رفیق، هم‌کلاسی و خیلی رفیق و... وجود دارد با مهارت و ویژگی خاص) واضح عرض می‌کنم با اولین کلمه‌ی پیشنهاد حسین به جبهه آمدن فرامرز برای من و بسیاری از بینندگان واضح و مبهرن است که وی به شهادت می‌رسد. و این کلیشه دست بردار نیست. گذاره‌هایی که در این فیلم است همگی کد دار و

حاکی از آن هستند که در ادامه چه می‌شود. حتی می‌توان جزئیات را حدس زد. به قدری فیلم کلیشه‌ای و تکراری و نخ‌نما است که دست نویسند و فیلمساز رو شود. ساختن فیلم در خصوص شهدا و قهرمان‌سازی زمانی درست از آب در می‌آید که سازنده خلاقیت به خرج دهد و البته که در قالب همان کلیشه‌ها هم که شده، مقداری تعمق کند و به تجربیات خود و دیگران رجوع کند، تا خالق شخصیت بشود. نه آن چیزی که برایش تعریف کرده‌اند و وی خوانده و شنیده. اینجا سینماتس و داستان مهم است و اصول و قواعد درام. حقیقت مهم است اما سازنده باید با شخصیت پردازی سینمایی آنرا روایت کند. و البته کاریزماتیک به جهت دراماتیزه شدن. تا بتواند در پس تمامی آنها قهرمان بسازد. اینکه مو به مو نقلها و روایت را املاک قرار دهد که فیلم داستانی نمی‌شود. اینکه شهید املاکی هیچ وقت سرش را خم نمی‌کرده و رعایت آن در تمامی پلانها نه تنها مهم نیست بلکه لای دست و پای خلاقیت است. فیلمساز خلاق با نقطه، یک آن، می‌تواند با تکنیک و شیوه‌های سینمایی، خم نکردن سر وی را با جذابیت با داستانی نمایش دهد.

(مثلاً جزئیاتی که در شخصیت مهدی در فیلم موقعیت مهدی، خلق شده) قهرمان را خرده قصه‌ها و افراد کنار دستی تشکیل می‌دهند نه دیالوگ‌های شعاری خودش.

سناریست و کارگردان اصلاً وقت صرف ایده پردازی نکرده‌اند بلکه با اتکا به تحقیقات میدانی و پژوهش‌ها و گفتگو با دوستان و خانواده‌ی شهید، به شکل تخت فیلمنامه را نوشته و حتی به همان سطحی نیز اجرا کرده‌اند. (چرا می‌گوییم شتابزده چون: فیلم قبلی کارگردان یکی از موفق‌ترین آثار سینمای دفاع مقدس است) شتابزده و هیجان زده. هیجان زدگی خلاقیت را از بین می‌برد. قاپها و پلانهای فیلم دقیقاً مشابه اکثر این گونه فیلمهاست و همه‌گی یک جورند و فقط آدمها عوض شده‌اند. (اگر این فیلمنامه را به خوش مصنوعی می‌دادند بهتر اجرا می‌کرد)

قهرمان باور پذیر نیست، شکل نمی‌گیرد بازگر فیلم، ربطی به نقش ندارد. شیک و بالاشریست، نه مردی از جنس روستا با دو بچه و یکی در راه.

نگاه‌هایش، نگاه‌های یک فرد جنگی نیست. بازیگر خوب نیست و لحظاتی دارد اما به دلیل مخشوش بودن (فیلمنامه کارگردان و خودش فاصله‌اش با قهرمان زیاد است) بازیگر دست و پا می‌زند.

در سکاسن‌های روستا در لنگرود، به قدری شخصیت تنزل پیدا می‌کند که نه تنها بیننده‌ی وی را گم می‌کند بلکه بواسطه حضور و بازی بد همسرش، کلاً فیلم از دست می‌رود. بازیگر منگ و مسخ است، دلیل منگ بودنش، فراموشی ست ولی مسخ بودنش چیست؟! چرا کنشی ندارد؟! اینجا در خانه‌اش و میان خانواده‌اش است، اصلاً خانواده شکل نمی‌گیرد، کارکرد فرزندان، همسر و پدر زن بی‌مفهوم و گم است. همسرش حرف می‌زند ولی هیچ.

ما خانواده‌ای در فیلم حس نمی‌کنیم و البته که محبت‌های برادر زن هم

بیش از حد زیادی و باور پذیر نیست. شاید در واقعیت اینگونه بوده، اما در فیلم بسیار بد اجرا شده.

زخم کوچکی برداشسته و فراموشی گرفته، چرا برادر زن مدام زانوهایش را دستانش را می‌بوسد!؟

(شکیب شجره) برادر زن حسین املاکی، با پوشش عجیب و بمانند میرزا کوچک‌خان است! طراحی لباسش غلط است، اسلحه دارد، آنهم سال ۱۶۶ البته حضورش برافیلیم مغتنم است. همچنین در سکاسنهای بعدی و جنگ خوب است.

در این فیلم فقط همین فرامرز خوب است و شجره خوب بازی کرده. من نمی‌دانم چطور سازندگان فیلم حرفهای عجیبی در خصوص حاشیه‌ی فیلم می‌زنند، گویی فیلم امداد غیبی است. کارگردان و بازیگر ادعا دارند روح شهید به کمک آنها آمده تا این فیلم خوب ساخته شود در صورتیکه به زعم من روح شهید از شما ناراضیست که فیلم الکن و اگر جره و کلیشه‌ای ساخته‌اید ولی سازندگان حرفهای ماورایی می‌زنند.

فیلم چند پاره است، فصل اول و جاسوسی و معما گونه خوب است، البته بازی بد امیر آقایی به آن لطمه زده. فصل دوم (روستا) تعطیل است، فصل سوم را هم شکیب شجره نجات داده و فیلم کلاً مدیون وی است.

فیلم با اینکه یک برش کوتاه از زندگی شهید است، اطلاعات سطحی در مورد سوز به بیننده می‌دهد. روایت منسجم نیست. فقط تایتل‌ها فضا را که زمان و موقعیت را روی شروع لوکیشن‌ها نگارده میشود، چنج میکند. شخصیت شهید املاکی، بیش از حد بدون ایراد و دقیقاً انگار با یک قدیس طرفیم. با احترام به شهید املاکی، ولی ایشان، در ابتدا انسان بوده و سپس جانشین فرمانده لشکر گیلان که اصلاً گیلانی بودنش معلوم نیست. حتی با اینکه نزد خانواده‌اش در روستای می‌برند باز بیننده گمان می‌کند که وی از تهران آمده و از اینجا همسری اختیار کرده.

رفت دوربین به روستا ابتدا به دلیل فراموشی حسین است، اما اتفاق خوب ظهور فرامرز است که از آنجا وارد داستان شده و برای جنگ با حسین همراه می‌شود. شخصیت فرامرز، درست شخصیت پردازی شده و دلیل آن خود بازیگر است. بازی شجره هم دوست داشتنی و هم به اندازه است. به اندازه بودن بازی، بسیار مهم است و این ویژگی را هر بازیگری ندارد. برخلاف آرمان‌دوشتی که که حسین املاکی را فرا زمینی کرده، پلک نمی‌زند صاف است. لجهه گیلکی ندارد. خیلی آدم خوبی است!!!

البته نکته مهمی در خصوص نقش شهید حسین املاکی وجود دارد، چون این شهید کمتر شناخته شده است و بازی و همچنین شخصیت پردازی و ساخت این فیلم ریسک است، چرا که بیننده این شهید و فرد واقعی را دیگران تصور می‌کنند. در این فیلم است می‌شناسد، یعنی به مانند شهید زین الدین و شهید کاظمی نیست. و این بسیار کار فیلمساز و بازیگر را سخت می‌کند.

شروع فیلم در روستای مرزی عراقی، کرندشین است که پادگان عراقی‌ها در آن است و چندین نفر به دار آویخته شده‌اند و چند نفر در حال تعقیب و مراقبت و شناسایی هستند و سپس آنها افسر بعضی را خفت کرده و به این طرف می‌آورند و بازجویی می‌شود. این سکاسن به خوبی اجرا شده و این شروع جذاب به جهت اجرا هم خوب است اما بعد از بازجویی و ورود امیر آقایی با عنوان فرد اطلاعاتی، فیلم به شدت سقوط می‌کند. امیر آقایی در اکثر بازی‌هایش تلاش می‌کند ادای پرویز پرستویی را در بیاورد، مخصوصاً آن پرستویی که شعار زده دیالوگ می‌گفت. بازی وی به فیلم لطمه‌ی بزرگی وارد کرده. چرا که نقش مهمی است و رگه‌ی ابهام و معمای جاسوسی این فیلم با این شخصیت قرار است قوت گیرد، چرا که شهید املاکی، از افراد فعال و موفق در اطلاعات و شناسایی جنگ بوده، بنا بر این کارگردان می‌توانست به این بخش دقیق تر و نگاه ویژه‌ای داشته باشد. از طرفی اصرار و اجبار کارگردان در نمایش انفجارها تیر اندازی و صحنه‌های جنگی، فیلم را خراب کرده.

خود شخصیت شهید املاکی در همان ۴۰ روز و وجه اطلاعات شناسایی بودنش، می‌توانست بهترین شیوه برای شناساندن وی باشد.

روایت بخش کوتاهی از زندگی شهید و توربوگرافی نشدن فیلم نکته‌ی خوب است یک برهه‌ی حدوداً ۴۰ روزه، از اوج لحظات زندگی شهید و عملیات نصر ۴. اما رشادت و حضور شهید، که عنوان میشود سرنوشت جنگ در غرب کشور را تعیین می‌کند، اصلاً (در فیلم) شکل نگرفته. سرنوشت را دو فرزند هواپیمای جنگنده، مشخص کرده‌اند.

اصلاً چرا در فیلمهای جنگی ایرانی، آن دو سه هواپیما، یا هلی کوپتر یا نیروی کمکی، بعد از همه و شهادت همه سر می‌رسند؟؟؟

این جریان آفت و تیر بر ریشه‌ی فیلمهای دفاع مقدسی شده.

اخبار دیدنی



گزارش تصویری «هنرمند» از روز سوم و چهارم اکران فیلم‌ها در «پر دیس سینمایی ملت»/ عکس: میلاد بهشتی

